

# احكام

(ويژه پسران)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## عبودیت:

بی‌مناسبت نیست که قبل از شروع بحث احکام عملی اسلام، در مقدمه آن، به کوتاهی و به صورتی گذرا، بحث عبودیت و بندگی پروردگار متعال را به میان آوریم، و در اطراف آن به اختصار سخن گوئیم؛ باشد که در راه اجرای فرامین الهی، مجدّانه‌تر از گذشته پای به میدان عمل بگذاریم.

## نعمت و شکر آن:

همان طور که در مبحث توحید سخن رفته است، ما به موازات این که از راه فطرت، خدا را وجدان می‌کنیم و قاهریت حقّ متعال را در مملکت هستی خویش به عیان می‌بینیم، متوجّه می‌شویم که این پروردگار قیوم توانا، به ما نعمت هستی بخشیده، و ما را از عرصه عدم به وجود آورده، و نعم فراوان و بی‌حدّ خود را که به بیان قرآن قابل شماره نیست، بر ما ارزانی داشته است و آنگاه که خود را شرمنده احسان این هستی بخش مُنعم می‌یابیم در همان لحظه، عقل، این اصل بدیهی را به ما یاد آور می‌گردد که نسبت به این احسان کننده شکرگزاری کنیم و سپاس او را به جای آوریم.

اساساً شکر مُنعم از اصول قطعیه عقلی است، و تمام افراد بشر از هر نژاد و مذهب و آیین به آن معتقدند، و نمک خوردن و نمکدان شکستن را قبیح می‌دانند. حتّی اگر از طفل خردسالی پرسیم و یا او را در عمل بیازماییم، خواهیم دید که در مقابل احسان، حتّی اگر به زبان هم نتواند؛ به لسان وجود خویش، ثنا می‌گوید. این امر آنقدر اصیل و قوی است که انسان را بنده احسان شمرده‌اند. «الانسان عبید الاحسان». قرآن کریم هم خطاب به صاحبان عقل می‌فرماید:

«هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؟»

«آیا پاداش نیکویی جز نیکویی است؟»

فضیلت هر انسان بستگی به میزان سپاسگزاری‌اش در مقابل احسان دارد، زیرا بر هر صاحب عقلی روشن است که در مقابل نیکویی جز نیکویی نشاید، و اگر کسی در مقابل خوبی، بدی کند قطعاً از شرافت انسانی و فضیلت نفسانی بهره‌ای نبرده است.

لذا با توجّه به این اصل خدشه ناپذیر عقلانی، و این معیار مهمّ در ارزش گذاری شرافت انسانی، و با توجّه به این حقیقت روشن که خدا، منعم حقیقی عالم است، و هر چیزی در این عالم به ما می‌رسد از ناحیه اوست؛ عقل سلیم با قوّت تمام حکم می‌کند که در برابر این احسان کننده، باید شکر نعمت را بجای آورد، و در مقابل نیکی، عکس العمل مناسب و درخور شأن احسان کننده نشان داد.

آداب ظاهری و باطنی که در مقابل خدای متعال به جهت شکرگزاری به آستان کبریایش انجام می‌دهیم، عبادت نام دارد، و روح این بندگی، خود را تسلیم او ساختن، و اوامر و نواهی را شنیدن و به کار بستن است. و تنها در این صورت است که بنده به زیور بندگی آراسته و «عبد» نامیده می‌شود.

در اینجا ممکن است این سؤال پیش آید که اصولاً خدا چه نیازی به عبادت بندگان خود دارد؟

در پاسخ باید گفت:

اولاً: بی‌شک پروردگار جهانیان از هر جهت غنی و بی‌نیاز است، و به هیچ چیز و هیچ کس و در هیچ زمینه‌ای محتاج نیست؛ بلکه همگان به او نیازمندند. و عبادت ما به خاطر رفع نیاز از خدا نیست، که این پنداری سفیهانه است. بلکه از این جهت است که ما در محضر عقل سلیم، خود را مرهون و در گرو نعمتِ خدا می‌دانیم، و می‌خواهیم به وظیفه شکرگزاری خود قیام کنیم. و این کار تکلیف و وظیفه‌ای است که بر دوش ما قرار دارد.

ثانیاً: اگر با دقت در افعال همه مردم بنگریم، خواهیم دید که همه انسانها در این دنیا، به نوعی، «عبد» به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، همه برای خود معبودی برگزیده‌اند، و به فرمانبرداری از معبود خویش مشغولند. این معبود، گاهی بت، گاهی انسان و در اکثر موارد «نفس» انسان است. مردم، غالباً، بنده نفس خویش‌اند، و از فرامین آن تبعیت می‌کنند. عنان اختیار را به دست «شهوای نفسانی» خود داده، و به دنبال این مرکب سرکش و افسار گسیخته، به شتاب در حرکتند، و به هر جا که می‌رود، آنها نیز کورکورانه پای می‌نهند. همان نفسی که به تعبیر قرآن «امارة بالسوء»، یعنی: فرمان دهنده به زشتی است. ولی معدودی هم خود را از این بردگی آزاد کرده، عنان نفس خویش را بدست عقل سلیم سپرده و آن را به جایی که باید رهنمون می‌شوند. اینها همان «بندگان خدا» هستند. کسانی که در سر دو راهی پذیرش فرامین نفس سرکش، و اطاعت خدای مُنعم حکیم، باری تعالی را برگزیده‌اند. اصولاً اینطور می‌توان نتیجه گرفت که همه انسانها، به نوعی، بنده‌اند: بعضی‌ها بنده نفس، گروهی بنده دیگران، عده‌ای هم بنده خدا. حتی کسانی که امروزه، پس از پذیرش اصالت فرد و فردگرایی، از آزادی به سبک غرب، و برآورده شدن تمایلات نفسانی دم می‌زنند، در واقع خواهان نوعی «بندگی نفس» از نوع «مدرن» و «غربی» بندگی هستند. در حالی که اگر از فردگرایی خودپرستی و بندگی نفس اشاره خود را رها سازیم و گوش به فرمان عقل سلیم دهیم، این گوهر تابناک، چنانچه اشاره شد، به شکر مُنعم - که خدای تعالی است - فرمان می‌دهد و کمر بستن به اجرای فرامین او را مورد تأکید قرار می‌دهد.

و در اینجا است که فرمایش امیر مؤمنان علی علیه السلام در گوش جانمان صدا می‌کند که:

«لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا».

«بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است».

باید بنده خدا شویم، و در مقابل او خضوع و خشوع کنیم، تا از اسارت غیر خدا آزاد شویم. به هر میزان که عبادت را برای خدا خالص گردانیم، و در مقابل آن بزرگ، بیشتر کوچکی کنیم، به ارتقاء مقام و ارتفاع مکانمان افزوده خواهد شد.

### عظمت خدا و بندگی ما:

پرستش خدای متعال، از دیدگاهی دیگر نیز قابل تأمل و بررسی است. این درست که مابه‌ازاء نعمتهای الهی، پرستش و عبادت ذات باری تعالی است، ولی عبادت و پرستش حقتعالی، اصولاً نیازمند اقامه دلیل خارجی و برهان عقلی نیست. آفتاب آمد دلیل آفتاب، بزرگی و عظمت ذات اقدس باری تعالی، فی نفسه، شایسته عبادت است. بدین معنا که اگر نعمتی هم به ما نداده بود، باز خدایی او و بندگی ما، مالکیت او و مملوکیت ما، بزرگی او و کوچکی ما، اقتضا می‌کرد که در برابر ذات اقدس او به آداب کوچکی خود عمل کنیم، اوامر او را به گوش جان بشنویم، و با اعضاء و جوارح خود، به کار بندیم؛ چنانچه امام حسین علیه السلام در همین زمینه فرموده‌اند که: «... بل وجدتك اهلاً للعبادة»، که بنده خدا برای بندگی خدا، دارای اهلیت و تناسب است.

## انواع عبادات:

عبادات، ابتدائاً و از دیدگاهی فرانگر، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف - عبادات باطنی

ب - عبادات ظاهری

عبادات باطنی در حقیقت افعال روحی انسان است، و عبادات ظاهری نیز اعمال اعضا و جوارح آدمی است. الف - در عبادات باطنی هرکس در درون خود، به زبان خویش و به هر نحو که بخواهد دریچه دل را بر آفتاب الوهیت می‌گشاید، و زمزمه قلبی ساز می‌کند. اگر گوشه‌ای از این سخنان دل را بخواهد بر زبان جاری کند (هر چند بهتر است آن را با اصطلاحات شرعی و چگونگی بیان حجج الهی که معلّمان علم و عمل میدان عبادتند، دم‌ساز و هماهنگ کند) اما باز می‌تواند به زبان خود نیز با خدا سخن گوید، و کلام آغاز کند.

ب - عبادات ظاهری؛ که خود بر دو نوع است:

۱- نوع اول عباداتی است که دستور کلی آن داده شده، و راه را نشان داده‌اند. اما تهیه ابزار و وسایل پیمودن این راه را بر عهده خود ما گذاشته‌اند. مثلاً گفته‌اند: احسان به دیگران خوب است. برّ به والدین وظیفه است. حُسن همجواری با همسایگان پسندیده است. اما برای هر کدام از این اعمال هزاران راه و روش وجود دارد که نحوه اجرایش به انتخاب شخص و به سلیقه او واگذار شده است. هرکس به سلیقه خود، و با رعایت دیگر حقوق شرعی، می‌تواند احسان کند، یا به والدینش خوبی نماید.

۲- نوع دوم عباداتی است که نه تنها دستور کلی آن را داده‌اند، بلکه نحوه انجامش را نیز مشخص کرده‌اند. مثل نماز، روزه، حج و نظایر آنها.

بحث احکام دین شامل عبادات ظاهری از نوع دوم است که مربوط به افعال اعضا و جوارح آدمی است.

## کیفیت عبادات:

همانگونه که پیش از این متذکر شدیم، وظیفه ما قیام به عبادتی است، که روح آن اطاعت از معبود است. لذا زمانی که این مسأله مورد نظر باشد، دیگر چگونگی آن از دیدگاه ما نباید تفاوت چندانی داشته باشد. چرا که منظور ما اطاعت است و اطاعت هم یعنی گردن نهادن و عمل به همان شکلی که از ما خواسته شده است. در حدیث قدسی آمده است: هنگامی که شیطان از سجده آدم سر برتافت به خدا پیشنهاد کرد از این فرمان درگذرد و او در مقابل، عبادتی کند که تا به آن وقت نمونه آن دیده نشده باشد. عبادتی بسیار مشکل‌تر و طولانی‌تر از سجده‌ای کوچک بر آدم. خدای جلّ و علا در پاسخ به او جمله‌ای فرمود که تکلیف تمام بندگانی را که در سر سودای عبادت او را دارند روشن می‌کند. آن جمله این بود که:

«اطاعت من از آن راهی است که من می‌خواهم، نه از آن راهی که تو می‌خواهی.»

و این مسأله سرّ مقید بودن به اشکال خاصی از عبادت با ریزه‌کاریهای خاص آن است. آیا هیچ خادمی را - که از عقل و اخلاص بهره‌ای هر چند ناچیز برده باشد - را دیده‌اید که از آقای خود برای اجرای امرش دلیل بخواهد؟ یا با او چون و چرا کرده و تا قانع نشود به اجرای فرمان مولای خود همت نگمارد؟ هرگز در حالی که این هر دو انسانند و هر دو صاحب عقل؛ عقلی که هر چند در درجات آن ممکن است تفاوتی باشد، اما به هر حال از یک سنخ است. در ثانی حقّ کدام مولی نسبت به بنده‌اش با حقّ خدا نسبت به بندگان قابل قیاس است؟ خدا برترین مولا و مالک عالم

است، و بقیه توسط او مالک شده‌اند، مالکیتی که خودش نسبت به آن مالک‌تر است؛ و در هر لحظه که بخواهد می‌تواند آن را باز ستاند.

### اعمال عبادی:

بنده هنگامی که می‌خواهد در مقابل چنین خدایی به عبادت بایستد، ابتدا باید قلب خود را از پیرایه‌ها بزدايد، و آيينه جان خود را جلا دهد، و سپس در ادامه آن طهارت باطنی، ظاهر خود را نیز از ناپاکیها و نجاسات منزّه کند؛ و سپس وضو گرفته و یا غسل نماید، تا با این اعمال، به طهارت جسمی و معنوی به طور توأم دست یابد. نماز از برترین انواع عبادات است که خدای ذوالجلال به بندگان خود اجازه داده تا در خلال آن با او خلوت کنند، و به راز و نیاز پردازند، و وی را تسبیح و تقدیس کنند. روزه عبادتی دیگر است که جسم و روح انسان را صیقل و جلا می‌دهد. همانگونه که برای طهارت جسم آدمی آدابی وجود دارد اموال وی نیز باید با اجرای مراسم و اعمالی خاص همچون: خمس، زکات و صدقات پاکیزه و پیراسته گردد، که اینها خود از دیگر اقسام عبادات به شمار می‌آیند.

### یادآوری مهم:

در مجموعه‌ای که پیش رو دارید احکام طهارت، نماز، روزه و خمس در حدّ لزوم مورد بررسی قرار گرفته است. امید است که با یادگیری این موارد، زمینه عمل به آنها نیز برای ما فراهم گردد. از آنجا که این نوشته تنها به منظور آشنایی نوجوانان عزیز با کلیات احکام عملی تهیه شده، لذا برای پرهیز از هر گونه سهو و خطاء عزیزان محترم در مقام عمل، به رساله‌های عملیه مقلّدین خویش مراجعه فرمایند. در تهیه این جزوه از منابع مختلفی از جمله کتابهای احکام دین، احکام اسلام، رساله‌های عملیه مُحشّی، و به ویژه کتاب آموزش احکام ویژه پسران استفاده شده است، که بدین وسیله از مؤلّفین محترم کتب یاد شده، قدردانی می‌گردد.

والسّلام

## درس ۱

## طهارت

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا﴾<sup>۱</sup>  
 ﴿و از آسمان آبی پاکیزه برای شما نازل کردیم﴾

«رُوي مُتَوَاتِرًا عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: إِنَّ الْمَاءَ طَاهِرٌ لَا يُنَجِّسُهُ إِلَّا مَا غَيَّرَ لَوْنَهُ أَوْ طَعْمَهُ أَوْ رَائِحَتَهُ»<sup>۲</sup>

«به طور متواتر از امام صادق علیه السلام از طریق پدران گرامی شان علیهم السلام نقل شده است که: آب، پاک است و چیزی آن را نجس نمی کند، مگر اینکه (آن چیز نجس) رنگ یا مزه یا بوی آن را تغییر دهد.»

مجموعه برنامه های عملی اسلام «احکام» نامیده می شود و از جمله آنها؛ واجبات است که نماز یکی از مهم ترین و اساسی ترین آنهاست.

مسائل مربوط به نماز را به سه دسته تقسیم می کنیم:

۱- مُقَدِّمَات

۲- مُقَارِنَات

۳- مُبْطِلَات

مُقَدِّمَات نماز: مسائلی است که نمازگزار باید آنها را قبل از نماز مراعات کند.

مُقَارِنَات نماز: مسائلی است مربوط به متن نماز، از تکبیرة الاحرام تا سلام.

مِبْطِلَات نماز: مسائلی است در باره چیزهایی که نماز را باطل می کند.

## مُقَدِّمَات نماز

از جمله مسائلی که قبل از انجام این عبادت بزرگ باید مورد توجه نمازگزار قرار گیرد، طهارت و پاکیزگی است. نمازگزار باید بدن و لباس خود را از ناپاکیها (نجاسات) پاک کند. برای پاکی از نجاسات، شناخت آنها و راه پاک کردن اشیاء نجس نیز لازم است. بنابراین به بیان آنها می پردازیم: قبل از شناخت ناپاکیها، به یک قاعده کلی اسلامی توجه کنید:

«در عالم همه چیز پاک است، مگر ده چیز و آنچه که بر اثر برخورد با آنها نجس شود».

۱. فرقان: ۴۸.

۲. مستدرک الوسائل - ج ۱ - ص ۱۸۶ - ح ۵۳۰.

۱- ادرار (بول)	} نجاسات
انسان و حیوان‌های حرام گوشتِ دارای خون جهنده مانند گریه و موش.	
۲- مدفوع (غائط)	
۳- منی	
۴- مردارِ انسان و حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند گوسفند.	
۵- خون	
۶- سگ	
که در خشکی زندگی می‌کند (حتی مو، استخوان، پنجه، ناخن، و رطوبتهای آنها)، ولی	
۷- خوک دریایی آن نجس نمی‌باشد.	
۸- شراب و هر مایع مست‌کننده	
۹- آبجو (فُجَاع) - آبجوی غیر طبی	
۱۰- کافر	

«طهارت» غیر از «نظافت» است، و «نجاست» غیر از «کثافت» است. ممکن است چیزی تمیز باشد، ولی از نظر احکام اسلام، پاک نباشد. خواسته اسلام، هم طهارت است و هم نظافت؛ یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی خود باشد، ولی اکنون سخن در باره طهارت است.

۱- ادرار و مدفوع انسان، و تمامی حیوان‌های حرام گوشت که خون جهنده دارند، نجس است. ولی بول و فضله پرنندگان حرام گوشت، پاک است؛ ولی بهتر، اجتناب از آنها است.

۲- ادرار و مدفوع حیوان‌های حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند، و حیوانهایی که خون جهنده ندارند، مانند مار و ماهی پاک است.

۳- ادرار و مدفوع حیوانهایی که گوشت آنها مکروه است، پاک می‌باشد. مانند اسب و الاغ.

### احکام مردار

۱- انسانِ مرده هر چند تازه مرده باشد، و بدنش سرد نشده باشد (به جز اجزاء بی روح او مانند ناخن و مو و دندان)، تمام بدنش نجس می‌باشد؛ مگر آن که او را غسل داده باشند (یعنی سه غسلش تمام شده باشد، که احکام آنها بعداً خواهد آمد).

### مردار حیوان

۱- مردار حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است، مانند ماهی.

۲- مردار حیوانی که خون جهنده دارد، اجزاء بی‌روح آن، مانند مو و شاخ، پاک؛ و اجزاء دیگرش همچون گوشت و پوست، نجس است.

## احکام خون

- ۱- خون انسان، و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است؛ مانند مرغ و گوسفند.
- ۲- اگر حیوان حلال گوشت را مطابق دستور شرع بکشند، و خون آن به مقدار لازم بیرون آید، خونی که در بدنش می ماند پاک است؛ ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه این که سر حیوان در جای بلندی قرار گرفته، خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است.
- ۳- خون حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است؛ مانند ماهی و پشه.
- ۴- خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می شود، بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن تخم مرغ اجتناب کرد؛ ولی اگر خون در زرده باشد، تا زمانی که پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده پاک می باشد.
- ۵- خونی که از لای دندان (لثه) می آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است؛ و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.

## الکل:

الکل صنعتی که برای رنگ آمیزی درب و میز و صندلی و مانند این ها، به کار می رود، (و در صورتی که انسان نداند که این نوع الکل به تنهایی مست کننده است) پاک می باشد.

### خلاصه درس ۱

- ۱- برای خواندن نماز، باید بدن و لباس نمازگزار پاک باشد.
- ۲- در عالم همه چیز پاک است، به جز ده چیز.
- ۳- مردار سگ و خوک و اجزاء روح دار مردار حیوانهایی که خون جهنده دارند، نجس است.
- ۴- مردار حیوانهایی که خون جهنده ندارند، و هم چنین اجزاء بی روح مردار حیوانهای با خون جهنده، پاک است.
- ۵- خون حیوانهایی که خون جهنده دارند، نیز نجس است.
- ۶- خونی که از لای دندان ها می آید، اگر با آب دهان مخلوط شود، و از بین برود، پاک است؛ و در آن حال فرو بردن آب دهان نیز اشکال ندارد.

### پرسش:

- ۱- مار و عقرب و قورباغه مرده چه حکمی دارد؟
- ۲- سرگین الاغ و فضله کلاغ چه حکمی دارد؟
- ۳- خونی که هنگام مسواک زدن در دهان مشاهده می شود چه حکمی دارد؟
- ۴- کدام انسان از دنیا رفته ای بدنش پاک است؟
- ۵- آیا پشم گوسفند مرده پاک است؟



## درس ۲

## شیئی پاک چگونه نجس می شود؟

در درس پیش بیان شد که در عالم، همه چیز پاک است، مگر برخی از آنها. چیزهای پاک هم ممکن است در برخورد با ناپاکیها نجس شود، آن هم در صورتی که یکی از آن دو (چیز پاک یا نجس) طوری تر باشد، که رطوبت یکی از آن دو به دیگری برسد.

۱- اگر چیز پاکی به نجسی برخورد کند، و یکی از آن دو طوری تر باشد که رطوبت یکی به دیگری برسد، چیز پاک نجس می شود.

۲- در موارد زیر حکم به پاکی می شود:

\* ندانیم که شیئی پاک و نجس به هم برخورد کرده اند یا نه.

\* ندانیم که چیز پاک و نجس مرطوب بوده اند یا نه.

\* ندانیم که رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه.

## چند مسأله:

۱- اگر انسان نداند چیز پاکی نجس شده یا نه، آن چیز پاک است، و جستجو و واری هم لازم نیست، هر چند بتواند پس از جستجو نجس یا پاک بودن آن را بفهمد.

۲- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

۳- اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می خورد، لازم نیست به او بگوید. مگر اینکه خودش آن چیز را نجس کرده باشد، یا کسی که چیز نجس می خورد مهمان او باشد، و نجاست در غذای صاحبخانه باشد.

۴- اگر انسان ببیند که کسی با لباس نجس نماز می خواند، لازم نیست به او بگوید.

## مُطَهَّرَات (پاک کننده ها)

یادآوری: به شیئی پاکی که آلوده به نجس شده باشد متنجس می گویند.

چگونه چیز نجس پاک می شود؟

همه اشیاء نجس پاک می شوند، و عمده پاک کننده ها هم عبارتند از:

۱- آب

۲- زمین

۳- آفتاب

۴- اسلام

۵- برطرف شدن عین نجاست

آب، بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند، اما اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها یاد گرفتن بهتر مسائل مربوط به آب را آسان‌تر می‌کند.

#### ۱- مضاف

	۱- آب چاه	اقسام آبها
	۲- آب جاری	
	۳- آب باران	
۲- مطلق	۴- آب راکد:	
کُر		
قلیل		

آب مضاف: آبی است که یا از چیزی گرفته باشند (مانند آب سیب و هندوانه) و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن، آب نگویند مانند شربت. آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.

#### احکام آب مضاف

- ۱- چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهّرات نمی‌باشد).
- ۲- در برخورد با نجاست یا متنجّس، نجس می‌شود، هر چند نجاست کم باشد، و بو، رنگ یا مزه آب هم عوض نشود. مگر اینکه آب مضاف از بالا به پایین بریزد، که در این صورت آن مقداری که با نجاست یا شئی متنجّس برخورد کرده نجس می‌شود، و قسمت بالاتر نجس نمی‌شود.
- ۳- وضو و غسل با آن باطل است.

#### آب جاری:

آبی است که از زمین بجوشد و یا جریان داشته باشد، مثل آب چشمه و قنات. ولی آب چشمه‌های کوچکی که جوشش زیاد ندارد ولی طوریست که، اگر از آب جمع شده بردارند، باز از زمین می‌جوشد و جای آن را پر می‌کند، حکم آب جاری را دارد.

حجم: مقدار آبی که ظرفی با ابعاد (طول، عرض و عمق) حداقل سه وجب را پر کند، مقدار آب «کُر» است. وزن: ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم.

آب قلیل: آبی که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد آب قلیل نامیده می‌شود. تنها آب مطلق، آلودگیها را پاک می‌کند. آب مضاف گرچه ممکن است چیز کثیفی را تمیز کند، ولی هرگز نجس را پاک نمی‌کند.

در درس آینده، با احکام آب مطلق، و چگونگی تطهیر با آن آشنا می‌شویم.

## خلاصه درس ۲

- ۱- مطهّرات همه نجاسات را پاک می‌کنند، یعنی چیز نجسی نیست که از طریق مطهّرات پاک نشود.
- ۲- عمده مطهّرات عبارتند از: آب، زمین، آفتاب، اسلام، برطرف شدن عین نجاست.
- ۳- از جمله مطهّرات آب است و آن هم آب مطلق نه مضاف.
- ۴- اگر وزن آب به ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم برسد «کر» است.

### پرسش:

- ۱- فرق بین آب مطلق و مضاف چیست؟
- ۲- برکه آبی که طول آن ۲۵ وجب و عرض آن ۵ وجب و عمق آن یک وجب است، محاسبه فرمایید آیا کر است یا نه؟
- ۳- شخصی پای مرطوب بر فرش نجس گذاشته است ولی نمی‌داند رطوبت پایش به فرش سرایت کرده است یا نه؟ آیا پایش نجس است؟

## درس ۳

## احکام آبها

## آب قلیل:

- ۱- آب قلیل در برخورد با نجاست نجس می شود (چه روی چیز نجس ریخته شده باشد، و یا چیز نجس به آن رسیده باشد).
- ۲- اگر آب کر یا جاری به آب قلیل نجس، متصل شود پاک می گردد. (مثلاً اگر ظرف آب قلیلی، که نجس شده، زیر شیر آبی که به منبع کر متصل می باشد گذاشته و آب را بر آن باز کنیم، به نحوی که بو و رنگ و مزه نجاست از بین برود آب قلیل نجس پاک می شود).

## آب کر - جاری - چاه:

- ۱- تمام اقسام آبهای مطلق، بجز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشند، پاک اند؛ و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرند نجس می شوند (بنابراین، آب جاری، آب چاه، گُر و حتی باران در این حکم مشترکند).
- ۲- آب لوله کشی شهری در حکم آب کر است، و جاهایی که از آب منبع استفاده می کنند، در صورتی که مجموع آب منبع و آب داخل لوله ها به قدر کر باشد، حکم آب کر را دارد.

## برخی از خصوصیات آب باران:

- ۱- اگر بر چیز نجسی که عین نجس<sup>۱</sup> در آن نیست یکبار ببارد پاک می شود.
- ۲- اگر بر فرش و لباس نجس ببارد، آنها پاک می شوند، و فشار لازم ندارد.
- ۳- اگر بر زمین نجس ببارد پاک می شود.
- ۴- چنانچه شیئی نجسی را در جایی که باران جمع شده (هر چند مقدارش کمتر از کر باشد) بشویم، تا زمانی که بارش ادامه دارد، و آب باران، رنگ، بو و مزه نجاست به خود نگرفته، پاک است.
- ۵- آب بارانی که توسط ناودان به پایین هدایت می شود مادامی که باران می بارد، در حکم آب باران است.

## احکام شک در آب:

- ۱- مقدار آبی که قبلاً کر بوده، و شک در آن است که قلیل شده یا نه، حکم آب کر را دارد.
- ۲- آبی که معلوم نیست، پاک است یا نجس، پاک است.
- ۳- آبی که پاک بوده و شک در آن است که نجس شده یا نه، حکم آب پاک را دارد.
- ۴- آبی که نجس بوده ولی معلوم نیست پاک شده یا نه، حکم آب نجس را دارد.
- ۶- آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده است یا نه، حکم آب مطلق را دارد.

۱. نجس چیزی است که خود به خود نجس باشد مثل ادرار و خون، و عین نجاست هم یعنی وجود فیزیکی شیئی نجس در محل.

### چگونگی تطهیر اشیاء نجس با آب:

آب، مایه زندگی و بهترین پاک کننده اغلب نجاسات است، و از جمله مطهراتی است که، همه روزه، تمام افراد با آن سر و کار دارند. اینک چگونگی تطهیر چیزهای نجس را با آب فرا می‌گیریم.

- ۱- ظرف  
 ۱- با آب کر: یک مرتبه  
 ۲- با آب قلیل: سه مرتبه

آب قلیل: دوبار

تطهیر اشیاء نجس: بدن و لباس آب کر: بدن یک بار، لباس دو بار

۱- به بول غیر پسر بیچه

شیرخوار نجس شده

آب جاری: یک بار

۲- غیر ظرف غیر بدن و لباس ← دوبار

- ۱- با آب کر: یک مرتبه  
 ۲- به غیر بول نجس شده  
 ۲- با آب قلیل: یک مرتبه

تبصره ۱: در مسأله آب خوردن سگ از ظرف، یا نجس شدن آن با شراب، اختلافاتی هست.  
 تبصره ۲: در مورد فرش و لباس، که قابل فشار دادن هستند، در هر بار شستن باید فشار هم بدهند تا اکثر آب داخل آنها خارج شود.

### توضیح:

الف: برای تطهیر اشیاء نجس، ابتدا باید عین نجاست را بر طرف کرده، سپس به همان تعداد که در نمودار آمده است آن را آب کشید. مثلاً؛ اگر ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است.  
 ب- آب جاری و چاه در احکامی که برای تطهیر اشیاء نجس بیان شده مانند آب کر است. (غیر از تطهیر لباس نجسی که به بول آلوده شده باشد، که قبلاً تفاوت آن ذکر شده است).  
 ج- ظرفی را که به شراب نجس شده باشد باید سه مرتبه بشویند، و فرقی هم بین آب قلیل و کر و جاری نیست.

### مسأله:

ظرف نجس را می‌توان این گونه آب کشید:

با آب کر: یک بار آن را در آب برده و بیرون آورند.

با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را به

طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.

### خلاصه درس ۳

- ۱- آب قلیل در برخورد با نجاست، نجس می شود.
- ۲- آب کر، جاری، چاه و باران، اگر بر اثر برخورد با نجاست بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد، نجس می شود.
- ۳- آبی که در حکم آب کر است تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته است، پاک است.
- ۴- آب باران پاک کننده است، و تا بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته است، پاک است.
- ۵- آبی که معلوم نیست پاک است یا نه؟ حکم آب پاک را دارد.
- ۶- آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف، حکم آب مطلق را دارد.
- ۷- در تطهیر فرش و لباس و مانند آنها پس از هر بار شستن باید آن را فشرده، یا آبهای داخل آن را به گونه ای دیگر گرفت.

### پرسش:

- ۱- آب کر چگونه نجس می شود؟
- ۲- آیا آب باران که در یک جا جمع شده است، و هم اکنون باران بر آن نمی بارد، حکم آب باران را دارد؟
- ۳- لباسی را که به خون نجس شده باشد چگونه می توان با آب قلیل یا در جوی آب آن را آب کشید؟

## درس ۴

## کیفیت تطهیر زمین نجس

- تطهیر زمین
- ۱- با آب کر: ابتدا آلودگی را برطرف کرده، سپس آب کر یا جاری را (به مقداری که تمام جاهای نجس را فرا گیرد)، بر روی زمین می‌گیریم.
- ۱- اگر زمین به گونه‌ای باشد که آب بر آن جاری نمی‌شود (یعنی آب را به خود گرفته و می‌خورد)، با آب قلیل پاک می‌شود.
- ۲- با آب قلیل ۲- در صورتی که آب بر زمین جاری می‌شود، جایی که آب روی آن جاری شده، پاک می‌شود.

- مسأله ۱- دیوار نجس هم مانند زمین نجس قابل تطهیر است.
- مسأله ۲- هنگام تطهیر زمین با آب قلیل، اگر آب جاری شده و به داخل چاه می‌رود، یا از آن محل بیرون می‌رود، تمام جاهایی که آب جاری شده، پاک می‌شود.

## زمین

- ۱- اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه رفتن، نجس شود، به سبب تماس با زمین، آلودگی‌ها برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین، فقط پاک کننده کف پا و کف کفش است، آنهم با این شرایط:
- \* زمین پاک باشد.
  - \* زمین خشک باشد، (تر نباشد).
  - \* زمینی پاک کننده است که خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند اینها باشد.
  - \* بر اثر راه رفتن یا مالیدن بر زمین، عین نجاست برطرف شود.
- مسأله: اگر بر اثر تماس کف پا یا کف کفش با زمین، نجاست برطرف شود پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه رفت.

## آفتاب

- آفتاب هم با شرایطی که خواهد آمد، اشیاء زیر را پاک می‌کند:
- \* زمین.
  - \* ساختمان و چیزهایی که در آن بکار رفته است، مانند در و پنجره و یا میخی که به دیوار کوبیده‌اند.

## شرایط مَطَهَّرُ بُوْدُنِ آفْتَابِ

- \* چیز نجس، تر باشد.
- \* با تابش آفتاب خشک شود، در حالی که اگر مرطوب بماند، پاک نشده است.
- \* چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آن که ابر، آنقدر رقیق و نازک باشد، که از تابش آفتاب

جلوگیری نکند.

\* آفتاب، به تنهایی آن را خشک کند، و مثلاً به کمک باد خشک نشود.

\* هنگام تابش آفتاب، عین نجاست در آن نباشد. پس اگر عین نجاست باقی است، پیش از تابش آفتاب برطرف شده باشد.

\* قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند، ولی اگر روی آن مثلاً امروز خشک شود، و درون آن فردا، پس تنها روی آن پاک تلقی می‌شود.

مسئله: اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد، می‌توان مقداری آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن بشود، بر آن ریخته، و سپس آن را در معرض آفتاب قرار داد تا پاک شود.

### اسلام

اگر کافر، شهادتین را بگوید، یعنی به یگانگی خدا و نبوت خاتم‌الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله شهادت بدهد (به هر لسان و لغتی که باشد) مسلمان می‌شود و با تشریف به اسلام، تمام بدن او پاک می‌گردد.

### برطرف شدن عین نجاست

در دو مورد، با برطرف شدن آلودگی، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد.

الف: بدن حیوان، مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که نجاست برطرف شود، پاک است.

ب - داخل بدن انسان، مانند مخاط داخل دهان و بینی و گوش، مثلاً اگر هنگام مسواک کردن، از لثه‌ها خون بیاید،

وقتی که آب دهان رنگ خون نداشته باشد، پاک است، و آب کشیدن داخل دهان ضرورتی ندارد.

### خلاصه درس ۴

۱- اگر زمینی را با آب قلیل تطهیر کنند، جایی که آب جاری شده، پاک است.

۲- کف پا و ته کفش نجس، اگر بر اثر راه رفتن بر زمین، آلودگی‌اش برطرف گردد، پاک می‌گردد.

۳- آفتاب، با شرایطی که گفته شد، زمین و ساختمان و درخت را پاک می‌کند.

۴- اگر کافر مسلمان شود، پاک می‌شود.

۵- داخل دهان و بینی، با برطرف شدن نجاست، پاک می‌شود، و نیاز به آب کشیدن ندارد.

### پرسش:

۱- قسمتی از دیوار منزل، نجس شده است، توضیح دهید چگونه می‌توان آن را تطهیر کرد.

۲- کف کفشی که به گل نجس آلوده شده است، باره رفتن، چه وقت پاک می‌شود؟

۳- آیا آفتاب، چوب و گندم و برنج را پاک می‌کند؟

۴- آیا اگر کافر، شهادتین را به فارسی یا انگلیسی بگوید، پاک می‌شود؟



## درس ۵

## وضو

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ  
وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ... ﴾<sup>۱</sup>

﴿ای اهل ایمان، چون خواهید برای نماز برخیزید صورت و دستها را تا مرفق (آرنج)

بشوید، و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح نمایید...﴾

﴿قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِاصْلَاةِ إِلَّا بِوُضُوءٍ﴾<sup>۲</sup>

«پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: نماز بدون وضوء نماز نیست.»

پس از فراگیری اولین مقدمه نماز، یعنی تطهیر بدن و لباس از آلودگیها، به دومین مقدمه که «وضو» است می پردازیم. نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته، و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند، و وضو عبارت است از نیت و شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها، به ترتیبی که بعداً خواهد آمد. در برخی از موارد هم باید «غسل» کرد، یعنی؛ تمام بدن را شست، و هرگاه نتوان وضو گرفت یا غسل کرد، باید به جای آن عمل دیگری به نام «تیمم» انجام شود، که در این درس و درسهای آینده با احکام هر یک آشنا خواهید شد.

## چگونگی وضو

در وضو باید ابتدا صورت را شست، و سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را. بعد از شستن این اعضا باید با رطوبتی که از شستن دست بر کف دست باقی است، فرق سر را مسح کرد، یعنی دست را بر آن کشید، و سپس پای راست و در آخر پای چپ را مسح کرد. اکنون برای آشنایی بیشتر با اعمال وضو به این نمودار توجه کنید:

از جایی که موی سر رویده تا آخر چانه (طول).

و از پهنای فاصله بین شست و انگشت میانه که

بر صورت قرار گیرد (عرض).

۱- صورت

۱- شستن

۲- دست راست

۳- دست چپ

کارهای وضو

از فرق سر تا قسمت جلوی آن که بالای پیشانی است.

۱- سر ←

۲- پای راست

۲- مسح

روی پا از نوک انگشتان تا برآمدگی روی پا

(احتیاط واجب است که تا مفصل را هم مسح کند).

۳- پای چپ

۲. مستدرک الوسائل - ج ۱ - ص ۲۹۰ - ح ۶۴۰.۴

۱. مانده: ۶.

## توضیح اعمال وضو

### شستن

- ۱- مقدار واجب در شستن صورت و دستها، همان است که گذشت، ولی برای آن که یقین حاصل شود که مقدار واجب شسته شده، باید کمی اطراف آن را هم بشوید.
- ۲- باید صورت و دستها را از بالا به پایین شست، و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.
- ۳- در وضو شستن دست و صورت در مرتبه اول واجب، مرتبه دوم مستحب، و مرتبه سوم حرام است، و این که کدام شستن اول یا دوم و یا سوم است، به نیت وضو گیرنده برمی‌گردد. پس اگر به قصد شستن مرتبه اول چند بار آب به صورت بریزد، همه آنها شستن مرتبه اول حساب می‌شود.

### مسح

#### مسح سر

- ۱- جای مسح: یک قسمت از چهار قسمت سر که بالای پیشانی است (بالای سر).
- ۲- مقدار واجب مسح: هر قدر باشد کافی است (به مقداری که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد).
- ۳- مقدار مستحب آن: به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت.
- ۴- احتیاط واجب آن است که مسح با دست راست انجام شود.
- ۵- لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، مگر این که موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورت بریزد، که در این صورت باید، پوست سر یا قسمت پایین (بیخ) مو مسح شود.
- ۶- مسح بر موی دیگر جاهای سر صحیح نیست، هر چند بر محل مسح جمع شده باشد.

#### مسح پا

- ۱- جای مسح: روی پا است.
- ۲- مقدار واجب مسح: از سر انگشت تا برآمدگی روی پا، و بنا بر احتیاط واجب تا مفصل؛ عرض هر اندازه باشد کافی است هر چند به قدر یک انگشت باشد.
- ۳- مقدار مستحب مسح: همه روی پا است.
- ۴- بنا بر احتیاط واجب پای چپ را باید بعد از پای راست مسح کرد.

#### مسائل مشترک مسح سر و پا

- ۱- در مسح باید دست را بر سر و پاها کشید، ولی اگر دست را نگه داشت و سر یا پا را به آن کشید وضو باطل است. اما در صورتی که دست کشیده می‌شود، سر یا پا مختصری حرکت کند وضو بلاشکال است.
- ۲- اگر به هر دلیلی رطوبتی برای مسح در کف دست نمانده باشد، نمی‌توان دست را با آب خارج تر کرد، بلکه باید از صورت یا ریش خود (آن هم از مقداری که داخل صورت است) رطوبت گرفته و با آن مسح کرد.

- ۳- رطوبت دست باید به قدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.
- ۴- محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، در ابتدا باید آن را خشک کرد. ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست، بر آن نباشد مانع ندارد، به نحوی که رطوبتی که بعد از مسح دیده می‌شود، گفته شود از رطوبت کف دست بوده است.
- ۵- روی دست و سر یا پاها نباید چیزی مانند چادر و کلاه، یا جوراب و کفش حائل باشد، هر چند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت بتواند به پوست یا مو برسد. اگر تقیّه در بین باشد باید علاوه بر مسح روی جوراب و کفش، تیمّم نیز صورت گیرد.
- ۶- محل مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌توان آن را آب کشید، باید تیمّم کرد.

### خلاصه درس ۵

- ۱- وضو عبارت از شستن صورت و دستها و مسح سر و پا، با شرایطی است که خواهد آمد.
- ۲- بنا بر احتیاط واجب صورت و دستها باید از بالا به پایین شسته شود.
- ۳- در وضو پس از شستن صورت و دستها، باید جلوی سر و روی پاها را مسح کرد.
- ۴- مقدار واجب مسح سر به قدری است که گفته شود، سر مسح شده است.
- ۵- مسح سر باید از فرق سر تا قسمت جلوی سر که بالای پیشانی است، باشد.
- ۶- مسح پا هر اندازه باشد کافی است، هر چند یک انگشت، ولی از نظر طول باید از نوک انگشت تا برآمدگی روی پا و بنا بر احتیاط واجب تا مفصل باید مسح شود.
- ۷- در مسح باید:
  - \* دست بر محل مسح کشیده شود.
  - \* محل مسح پاک باشد.
  - \* چیزی بین دست و جایی که مسح می‌کند، حائل نشود.

### پرسش:

- ۱- اعمال وضو را بر شمارید.
- ۲- فردی که موهای یک طرف سر را بر قسمت جلوی آن شانه کرده وظیفه‌اش نسبت به مسح سر چیست؟
- ۳- چهار مسأله از مسایلی را که در مسح سر و پاها مشترک است بیان کنید.
- ۴- آیا در حال راه رفتن می‌توان سر را مسح کرد؟
- ۵- آیا در سرمای شدید می‌توان بر جوراب یا کفش مسح کرد؟
- ۶- مقدار واجب و مستحبّ مسح سر و پاها را بیان کنید.

## درس ۶

## شرایط وضو

با شرایطی که خواهد آمد وضو صحیح است، و با از بین رفتن هر یک از آنها وضو باطل است.

- |  |                       |
|--|-----------------------|
| ۱- آب وضو پاک باشد (نجس نباشد).  |                       |
| ۲- آب وضو و فضایی که در آن وضو می‌گیرد مباح باشد (غصبی نباشد)                            |                       |
| ۳- آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد).  | ۱- شرایط آب و ظرف وضو |
| ۴- ظرف آب وضو مباح باشد.   |                       |
| ۵- ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.  |                       |
| ۱- پاک باشند.  |                       |
| ۲- مانعی از رسیدن آب به آنها نباشد.  | ۲- شرایط اعضای وضو    |
| ۱- رعایت ترتیب (همان طور که در اعمال وضوگذشت)  | شرایط وضو             |
| ۲- رعایت موالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد).   |                       |
| ۳- شخصاً انجام دهد (از دیگری کمک نگیرد. مگر در وقت ضرورت که به تنهایی نتواند وضو بگیرد). | ۳- کیفیت وضو          |
| ۴- وقت برای وضو و نماز کافی باشد.  |                       |
| ۱- استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.   |                       |
| ۲- با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند، یا مثلاً به قصد خنک شدن وضو نگیرد)                   | ۴- شرایط وضو گیرنده   |

## شرایط آب وضو و ظرف آن

۱- وضو با آب نجس و مضاف باطل است، خواه علم به نجس یا مضاف بودن باشد، خواه نباشد و یا فراموش شده باشد.

۲- آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:

- \* وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم باشد).
- \* آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.
- \* آبی که وقف افراد خاصی است، مانند حوض برخی از مدارس و وضوخانه بعضی از هتلها و مسافرخانه‌ها و... (بلکه بر هر آبی که کیفیت وقف آن معلوم نباشد که وقف خاص است یا عام همین حکم جاری است، مگر این که جریان عادی بر این منوال باشد که هر کس بخواهد آنجا وضو بگیرد، کسی مانع نشود).

۳- وضو گرفتن در نه‌های بزرگ، گر چه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، یا انسان بداند که صاحبان آنها راضی نیستند، یا اینکه مالک آنها صغیر یا

مجنون و محجور باشد، و یا این که در تصرف غاصب باشد، وضو با آنها جایز نیست.

۴- اگر آب وضو در ظرف غصبی باشد، وضوی ارتماسی با آن آب باطل است، ولی وضوی ترتیبی (اگر با دست و مانند آن، آب را بر اعضاء وضو بریزد، هر چند معصیت کرده، اما وضویش صحیح است.

### شرایط اعضای وضو

۱- اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاک باشد. (اگر با خود شستن هم عضو پاک شود مانعی ندارد)  
 ۲- اگر پوششی بر اعضای وضو باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید آن مانع برطرف شود.

۳- خطوط قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کرم، در صورتی که عرفاً رنگ بدون جرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر عرفاً جرم داشته باشد (که روی پوست را گرفته باشد) باید برطرف شود.

### کیفیت وضو

#### الف - ترتیب

کارهای وضو باید به ترتیب زیر انجام شود:

\* شستن صورت

\* شستن دست راست

\* شستن دست چپ

\* مسح سر

\* مسح پای راست

\* مسح پای چپ

اگر ترتیب اعمال وضو بهم بخورد وضو باطل است، حتی اگر پای چپ و راست را همزمان مسح کند.

#### ب - موات

۱- موات یعنی؛ پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

۲- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله بیفتد که رطوبت جاهای شسته شده خشک شده باشد، وضو باطل است. ولی اگر فقط محل ماقبل خشک شده باشد مثلاً در هنگامی که می‌خواهد دست چپ را بشوید، فقط دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد، وضو صحیح است.

#### ج - از دیگران کمک نگیرد

۱- کسی که می‌تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد؛ پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید، و یا مسح او را انجام دهد، وضو باطل است.

۲- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید در ابتدای وضو کند و سپس نایب بگیرد که او را وضو دهد. چنانچه نایب مزد هم بخوهد، در صورتی که قدرت پرداخت داشته باشد باید مزد او را بدهد.

**شرایط وضو گیرنده:**

- ۱- کسی که می‌داند یا می‌ترسد که اگر وضو بگیرد مریض می‌شود، باید تیمم کند، و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، اگر ضرری که شرعاً حرام است، نباشد وضویش صحیح است.
- ۲- وضو، باید به قصد قربت انجام شود، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم و نزدیکی به او وضو بگیرد.
- ۳- لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود گذراند، بلکه اگر تمام اعمال وضو به خاطر اجرای امر الهی بجا آورده شود، کفایت می‌کند.

**چند مسأله:**

- ۱- اگر وقت نماز به قدری تنگ باشد که اگر وضو گرفته شود، تمام نماز یا قسمتی از آن بعد از وقت شرعی خوانده می‌شود، باید تیمم کرد.
- ۲- اگر شکی در صحت یا بطلان وضو پیدا شود، باید بنا را بر صحت و بقای وضو گذاشت، ولی اگر تردیدی در گرفتن یا ننگرفتن وضو باشد، باید وضو گرفت.
- ۳- اگر پیش از وقت نماز، به قصد طهارت وضو گرفته شود یا غسل صورت گیرد، وضو یا غسل صحیح است، هم چنین نزدیک وقت نماز هم اگر به قصد مهیا بودن برای نماز وضو گرفته شود، صحیح است.

**خلاصه درس ۶**

- ۱- آب وضو باید پاک، مطلق و مباح باشد، و وضو گرفتن با آب نجس و مضاف در هر حال باطل است، چه علم به نجس یا مضاف بودن وجود نداشته باشد چه فراموش شده باشد.
- ۲- وضو گرفتن با آب غصبی، اگر بدانند غصبی است، باطل است.
- ۳- اگر اعضاء وضو نجس باشد، وضو باطل است؛ هم چنین اگر مانعی در بین باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، باز هم وضو باطل است.
- ۴- اگر ترتیب و موالات در وضو از بین برود، یا به هم بخورد، وضو باطل است.
- ۵- کسی که می‌تواند وضو بگیرد، نباید در شستن و مسح از دیگران کمک بگیرد.
- ۶- وضو باید برای انجام فرمان خداوند عالم و به قصد نزدیکی به او انجام شود.
- ۷- اگر انسان بخواهد وضو بگیرد، ولی به خاطر آن تمام نماز یا قسمتی از آن خارج وقت شرعی خوانده می‌شود، باید تیمم کند.

**پرسش:**

- ۱- وضو گرفتن از وضوخانه مؤسسات دولتی برای غیر کارمندان آن مؤسسه چه حکمی دارد؟
- ۲- کسی که خودش نمی‌تواند وضو بگیرد وظیفه‌اش چیست؟
- ۳- قصد قربت در وضو را توضیح دهید.
- ۴- فرق بین ترتیب و موالات در وضو چیست؟

## درس ۷

## وضوی جبیره

تعریف جبیره: دوایی که بر زخم می‌زنند و چیزی که با آن زخم را می‌بندند، «جبیره» نام دارد.

۱- شخصی که بر اعضای وضویش، زخم یا شکستگی است، اگر بتواند، باید به طور معمول وضو بگیرد. مثلاً

اگر:

الف: روی زخم باز است، آب برای آن ضرر نداشته باشد؛ یا اگر

ب- روی زخم بسته است، باز کردن آن امکان داشته باشد. و آب هم برای آن ضرر نداشته باشد.

۲- چنانچه زخم بر صورت یا دستها باشد، و روی آن هم باز باشد و آب ریختن روی آن هم ضرر داشته باشد،

در این صورت اگر اطراف آن شسته شود، کافی است.

۳- اگر زخم به صورت یا دستها باشد، و روی آن بسته باشد، اطراف آن قابل شستشو، و روی قسمت بسته شده

هم با رطوبت کف دست قابل مسح می‌باشد.

۴- اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها (محل مسح) و روی آن هم باز باشد، چنانچه نتوان آن را

مسح کرد، باید هم تیمم کرد و هم بنابر احتیاط واجب وضو گرفت، و برای مسح نیز پارچه پاکی روی آن گذارد، و روی

پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده، مسح کرد.

## کیفیت انجام وضوی جبیره

در وضوی جبیره، باید جاهایی که شستن یا مسح آن امکان دارد به طور معمول شستشو و یا مسح شود، و در

مواردی که امکان ندارد، دست تر بر جبیره کشیده شود.

## چند مسأله:

۱- اگر جبیره، بیش از حد معمول، اطراف زخم را پوشانده باشد، و یا برداشتن آن ممکن نباشد، باید تیمم کرد،

مگر این که جبیره در مواضع تیمم باشد، که در این صورت هم وضو لازم است هم تیمم.

۲- کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش وضوی جبیره است یا تیمم، بنابر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد.

۳- اگر جبیره، تمام صورت یا تمام یکی از دست‌ها را فراگرفته باشد، بنابر احتیاط واجب تیمم لازم، و وضوی

جبیره‌ای نیز ضروری خواهد بود.

۴- کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد، و در موقع وضو، دست تر روی آن کشیده است، باید سر و پا

را نیز با همان رطوبت مسح کند.

۵- اگر در صورت و دستها چند جبیره باشد، باید بین آنها را شست و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد، باید

بین آنها را مسح کرد، و در جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل شود.

**بعضی از مواردی که باید برای آنها وضو گرفت:**

- ۱- برای انجام نماز (بجز نماز میّت).
- ۲- برای انجام طواف واجب کعبه.
- ۳- برای رساندن دست یا صورت به نوشته قرآن و اسم خداوند.

**چند مسأله:**

- ۱- اگر نماز یا طواف واجب بدون وضو انجام شود، باطل است.
  - ۲- کسی که وضو ندارد:
- \* نباید «خط قرآن» را لمس کند (ولی ترجمه قرآن اشکالی ندارد)؛
  - \* بنابر احتیاط واجب نباید دست و صورت خود را به نام باری تعالی (به هر زبانی که می خواهد باشد مانند «الله»، «خدا»، و امثالهم) برساند؛
  - \* بهتر است دست و صورت خود را به نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نرساند؛
  - \* بهتر است دست و صورت خود را به نام ائمه معصومین علیهم السلام نرساند؛
  - \* بهتر است دست و صورت خود را به نام حضرت زهرا سلام الله علیها نرساند.
- ۳- برای انجام کارهای زیر وضو گرفتن مستحب است:
- \* رفتن به مسجد و حرم امامان معصوم علیهم السلام.
  - \* خواندن قرآن.
  - \* همراه داشتن قرآن.
  - \* رساندن دست یا صورت به جلد یا حاشیه قرآن.
  - \* زیارت اهل قبور.

**علل بطلان وضو:**

- ۱- خارج شدن ادرار، مدفوع یا باد از انسان.
- ۲- خواب، چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند.
- ۳- چیزهایی که عقل را از بین می برد، مانند: دیوانگی، مستی، بیهوشی.
- ۴- آنچه سبب غسل شود.

### خلاصه درس ۷

- ۱- شخصی که بر اعضاء وضوی او زخم یا دُمَل، یا شکستگی است اگر بتواند باید به طور معمول وضو بگیرد.



- ۲- چنانچه روی زخم یا شکستگی بسته باشد، ولی باز کردن آن امکان داشته باشد (و سختی نداشته باشد) باید جبیره را باز کرد، و به طور معمول وضو گرفت.
- ۳- در صورتی که روی زخم بسته و آب برای آن مضر باشد، باز کردن آن لازم نیست، هر چند باز کردن ممکن باشد.
- ۴- برای انجام نماز و طواف، و برای رساندن دست یا صورت به خط قرآن و اسم خداوند باید وضو گرفت.
- ۵- بول و غائط وضو را باطل می‌کند.
- ۶- خواب، دیوانگی، بیهوشی و مستی، وضو را باطل می‌کند.

## پرسش:

- ۱- شخصی که سه انگشت پای او را جبیره پوشانده است، وظیفه‌اش نسبت به وضو چیست؟
- ۲- کیفیت انجام وضوی جبیره را با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۳- آیا با رطوبتی که بر جبیره است می‌توان مسح کرد؟
- ۴- اگر جبیره نجس باشد، و برداشتن آن هم ممکن نباشد تکلیف چیست؟
- ۵- آیا چُرت زدن وضو را باطل می‌کند؟
- ۶- شخصی دست به میّت زده، آیا وضویش باطل است؟

## درس ۸

## غسل

گاهی اوقات برای نماز (و هر فریضه دیگری که لزوماً با وضو انجام می‌شود) باید غسل کرد، و غسل عبارت است از نیت و شستشوی تمامی بدن به منظور اطاعت از فرمان الهی. اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می‌پردازیم.

۱- جنابت

۲- مَسِّ مِیْت

۳- مِیْت

اقسام غسل‌های واجب جهت مردان

۴- غسلی که به واسطه نذر و قسم و عهد و مانند اینها واجب می‌گردد.

پس از تعریف و تقسیم غسل به بیان مسایل هر یک از غسل‌های واجب می‌پردازیم.

## کارهایی که بر جنب حرام است:

\* رساندن دست یا صورت یا جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و اسامی پیامبران و ائمه علیهم‌السلام\*؛

\* رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی‌الله‌علیه‌و آله، هر چند از یک در داخل شود و از در دیگر بیرون

رود؛

\* توقّف در مساجد؛

\* گذاشتن چیزی در مسجد یا داخل شدن جهت برداشتن چیزی؛

\* توقّف در حرم امامان علیهم‌السلام (بنابر احتیاط واجب)؛

\* خواندن هر یک از آیاتی که سجده واجب دارد.

سوره‌های سجده دار قرآن:

سوره شماره ۳۲ = سجده

سوره شماره ۴۱ = فُصِّلَتْ

سوره شماره ۵۳ = نَجْم

سوره شماره ۹۶ = عَلَق

## دو مسأله:

۱- اگر جنب از در مسجدی وارد، و از در دیگر آن خارج شود (عبور بدون توقّف) مانعی ندارد، ولی در مورد

مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی‌الله‌علیه‌و آله عبور هم جایز نیست.

۲- اگر شخصی در خانه‌اش - و یا در مؤسسه یا اداره‌ای - مکانی را برای نماز اختصاص دهد بر آن محل حکم

مسجد جاری نیست.

### خلاصه درس ۸

۱- این اعمال بر جنب حرام است:

- \* مسّ نوشته قرآن و اسم خداوند و پیامبران و امامان علیهم السّلام
- \* ورود به مسجد الحرام و مسجد النّبی صلی الله علیه و آله، و توقّف در سایر مساجد.
- \* گذاشتن یا برداشتن چیزی در مسجد.
- \* خواندن آیاتی از قرآن که سجده واجب دارد.

۲- عبور از مساجد، اگر توقّف هم نداشته باشد، بلکه از یک در وارد، و از در دیگر بیرون برود اشکال ندارد، ولی در مورد مسجد الحرام و مسجد النّبی صلی الله علیه و آله، عبور هم جایز نیست.

### پرسش:

- ۱- رفتن شخص جنب به حرم امامزاده‌ها چه حکمی دارد؟
- ۲- آیا شخص جنب می‌تواند در نمازخانه‌های پادگانها و ادارات و مؤسسات توقّف کند؟

## درس ۹

## انجام غسل

در غسل باید سر و گردن و تمام بدن شسته شود، خواه غسل واجب باشد مانند جنابت، و یا مستحب، مانند غسل جمعه، به عبارت دیگر تمام غسلها در انجام فرقی ندارند مگر در نیت.

## غسل به گونه‌های زیر انجام می‌شود:

پس از نیت، در ابتدا سر و گردن شسته می‌شود، و سپس تمامی بدن.

ترتیبی (بهتر است که در ابتدا، نیمه راست و سپس نیمه چپ بدن شسته شود). نحوه انجام غسل

پس از نیت، تمامی بدن یکپارچه و به یکباره در آب قرار می‌گیرد. ارتماسی

## توضیح:

غسل را به دو صورت می‌توان انجام داد: «ترتیبی» و «ارتماسی». در غسل ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می‌شود، سپس بدن.

در غسل ارتماسی، تمام بدن یک باره در آب قرار می‌گیرد. پس در صورتی می‌توان غسل ارتماسی کرد که به قدری آب باشد، که بتوان تمام بدن را زیر آب برد.

## شرایط صحیح بودن غسل:

۱- تمام شرایطی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، در صحیح بودن غسل هم وارد است، جز در مورد موالات. و هم چنین لازم نیست بدن از بالا به پایین شسته شود.

۲- کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد. بلکه اگر تنها یک غسل به نیت یکی از آنها انجام دهد، این غسل برای بقیه غسل‌هایی که بر عهده اوست، کفایت می‌کند.

۳- کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد.

۴- در غسل ارتماسی یا ترتیبی، پاک بودن تمام بدن قبل از غسل شرط نیست، بلکه اگر به فرورفتن در آب یا ریختن آب به قصد غسل، بدن پاک شود، غسل محقق می‌شود.

۵- غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی باید آن را ترتیبی بجا آورد.

۶- کسی که روزه واجب گرفته، نمی‌تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه‌دار نباید تمام سر را در آب فرو برد، ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، روزه‌اش صحیح است.

## غسل مَسِّ مِیْت

۱- اگر کسی دست یا جایی از بدنش را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل

مَسِّ میت کند.

۲- در موارد زیر مَسِّ بدن انسان مرده سبب غسل نمی‌شود:

\* تازه گذشته‌ای که بدنش هنوز سرد نشده است.

\* مرده‌ای که غسلش داده‌اند.

۳- غسل مَسِّ میت را باید مانند غسل جنابت انجام داد.

### غسل میت

۱- هر گاه مسلمانی از دنیا برود، بر همهٔ مکلفین واجب است که او را غسل داده و کفن کنند، و بر او نماز

بخوانند و سپس دفن کنند، و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود. واجب کفائی

۲- واجب است میت را سه غسل بدهند:

اول: به آبی که با سدر مخلوط شده باشد.

دوم: به آبی که با کافور مخلوط شده باشد.

سوم: با آب خالص.

۳- غسل میت مثل غسل جنابت است، ولی تنها به صورت ترتیبی می‌توان آن را انجام داد.

### خلاصهٔ درس ۹

۱- در غسل باید پس از نیت، تمام بدن شسته شود چه به گونهٔ ترتیبی و چه به صورت ارتماسی.

۲- شرایط صحت غسل، همان شرایط صحت وضو (بجز موالات) و از بالا به پایین شستن اعضا است.

۳- کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد؛ مگر آن که در بین غسل یا بعد از آن چیزی که وضو

را باطل می‌کند از او سر زده باشد.

۴- کسی که چند غسل بر او واجب باشد، می‌تواند به نیت همهٔ آنها یک غسل انجام دهد.

۵- رساندن دست یا جایی از بدن به بدن انسان مرده سبب غسل مَسِّ میت است.

۶- اگر دست یا جایی از بدن به مرده‌ای که بدنش سرد نشده است و یا غسلش داده‌اند رسانده شود، غسل

واجب نمی‌شود.

۷- اگر مؤمنی از دنیا برود باید او را سه بار غسل داد، سپس کفن کرد و بر او نماز خواند و دفن کرد.

۸- غسل‌های میت عبارتند از:

الف: غسل با آب سدر. ب: غسل با آب کافور. ج: غسل با آب خالص.

### پرسش:

۱- غسل ترتیبی چگونه انجام می‌شود؟

۲- آیا در آبی که کمتر از مقدار کر است می‌توان غسل ارتماسی انجام داد؟

۳- نیت غسل را توضیح دهید.

۴- فرق غسل میت با غسل مَسِّ میت چیست؟

## درس ۱۰

## تیمم (جانشین وضو و غسل)

در موارد زیر باید به جای وضو و غسل، تیمم کرد:

- ۱- آب نباشد و یا دسترسی به آن وجود نداشته باشد.
- ۲- آب برای فرد ضرر داشته باشد (مثلاً، به سبب استفاده از آب، مرضی در فرد پیدا شود، یا بیماری‌اش طولانی و یا تشدید گردد).
- ۳- اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، در حالی که خود فرد یا همسر او یا فرزندانش، یا کسانی که به او مربوطند از تشنگی بمیرند، یا مریض شوند (و نیز اگر بر غیر خود، اعم از انسان یا حیوان، بترسد که تلف شوند یا بیماری یا بیتابی‌شان بر او گران باشد).
- ۴- اگر بدن یا لباس فرد نجس باشد، و آب بیش از تطهیر آن نداشته باشد، و لباس دیگری هم در بین نباشد.
- ۵- اگر وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن نداشته باشد.
- ۶- اگر غیر از آب یا ظرفی که استفاده از آن حرام است، آب و ظرف دیگری نداشته باشد.

### چگونه تیمم کنیم؟

#### اعمال تیمم

- ۱- زدن کف هر دو دست (بنابر احتیاط واجب با هم) بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است. (بنابر احتیاط می‌توان دو دست را پس از آن به هم زد و به هم مالید).
  - ۲- کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر روییده است تا روی ابروها و بالای بینی.
  - ۳- کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست. (از مچ به پایین)
  - ۴- کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ. (از مچ به پایین)
- تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت دستور الهی انجام شود، و هم چنین باید معلوم شود که تیمم به جای وضو است یا غسل، که اگر بدل از غسل باشد باید آن غسل را معین کرد. چنانچه تیممی بر فرد واجب باشد و او قصد کند که وظیفه فعلی خود را انجام دهد، با این وجود اگر چه در تشخیص اشتباه کرده باشد، تیمم‌اش صحیح است.

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است:

- \* خاک
- \* ریگ و کلوخ
- \* اقسام سنگها مانند: سنگ سیاه، سنگ مرمر، سنگ گچ (قبل از پخته شدن)، سنگ آهک (قبل از پخته شدن).

**چند مسأله:**

- ۱- تیممی که به جای وضو است با تیممی که به جای غسل است فرقی ندارد مگر در نیت.
- ۲- کسی که به جای وضو تیمم کرده است، اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند تیمم‌اش باطل می‌شود.
- ۳- کسی که به جای غسل تیمم کرده است، هرگاه یکی از چیزهایی که غسل را باطل می‌کند پیش آید تیمم‌اش باطل می‌شود.
- ۴- تیمم در صورتی صحیح است که نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند؛ بنابراین اگر بدون عذر تیمم کند، صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود، مثلاً آب نداشته، و آب پیدا کند، تیمم او باطل می‌شود.
- ۵- اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد؛ ولی اگر به جای غسل‌های دیگر تیمم کند، با آن تیمم نمی‌تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد، و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد.
- ۶- اگر به جای غسل جنابت تیمم کند هرگاه یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند (چنانچه برای نمازهای بعدی نتواند غسل کند) باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد.

**شرایط صحیح بودن تیمم:**

- \* اعضای تیمم، یعنی پیشانی و دستها پاک باشد؛
- \* پیشانی و پشت دستها از بالا به پایین مسح شود. (بنابر احتیاط)؛
- \* چیزهایی که بر آن تیمم می‌شود پاک و مباح و از سنخ اشیاء قابل تیمم مثل خاک و سنگ و غیره باشد؛
- \* ترتیب رعایت شود؛
- \* موالات رعایت شود؛
- \* در هنگام مسح چیزی بین دست و پیشانی و هم چنین کف دست و پشت دست حائل نباشد؛
- \* اگر مختصری از مواضع تیمم را مسح نکند، (چه عمداً باشد، چه مسأله را نداند یا فراموش کرده باشد) تیمم باطل است، ولی دقت زیاد هم لازم نیست، و همین قدر که گفته شود تمام پیشانی و پشت دستها مسح شده، کافیت.

**خلاصه درس ۱۰**

- ۱- شخصی که آب در اختیار ندارد و یا دسترسی به آب ندارد، و یا مانعی برای استفاده از آب وجود دارد، باید به جای وضو و غسل تیمم کند.
- ۲- در تیمم باید پیشانی و پشت دستها با کف دستها مسح شود.
- ۳- تیمم بر خاک و ریگ و سنگ صحیح است.
- ۴- تیمم، چه به جای غسل باشد و چه وضو با هم فرقی ندارد (مگر در نیت).
- ۵- اگر به جای وضو تیمم کرده باشد، مبطلات وضو تیمم را هم باطل می‌کند. و اگر به جای غسل باشد آنچه سبب ابطال غسل می‌شود تیمم را هم باطل می‌کند.

۶- تیمم بدون عذر صحیح نیست.

۷- در تیمم رعایت ترتیب و موالات لازم است، و باید اعضای تیمم و چیزهایی که بر آن تیمم می‌شود، پاک باشد.

پرسش:

- ۱- در چه مواردی باید به جای وضو و غسل، تیمم کرد؟
- ۲- آیا از ترس درندگان می‌توان به جای وضو تیمم کرد؟
- ۳- تیمم بر آجر و کلوخ چه حکمی دارد؟
- ۴- تیمم بر چوب و برگ درختان چه حکمی دارد؟
- ۵- شخص جنب که از غسل کردن خجالت می‌کشد، آیا می‌تواند به جای غسل تیمم کند؟



## درس ۱۱

## وقت نماز

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ آنَ الصَّلَاةِ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾<sup>۱</sup>

﴿و نماز را به پا دار، به درستی که نماز، (اهل نماز را) از فحشاء و منکر باز می‌دارد﴾  
 «عَنْ أَبِي عَيْدٍ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ [عَلَيْهِ] الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِذَا قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ، وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ، رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ»<sup>۲</sup>.

«امام صادق علیه السلام فرمودند: اولین چیزی که حساب آن از بنده خواسته خواهد شد، نماز است. اگر قبول شود مابقی اعمالش نیز قبول است، و اگر ردّ شود مابقی اعمالش نیز پذیرفته نمی‌شود».

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ، لَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ لِأَوَالِهِ»<sup>۳</sup>

«پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که نمازش را سبک گرداند، از من نیست

و قسم به خدا که در بهشت بر من وارد نمی‌گردد».

پس از فرا گرفتن مسایل طهارت، کم کم برای انجام نماز، آماده می‌شویم. برای آشنایی با مسایل و احکام نماز ابتدا یادآور می‌شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب. نمازهای واجب هم دو دسته‌اند؛ بعضی از آنها تکلیف هر روزه می‌باشد و در هر شبانه‌روز، در زمانهای خاصی باید به جا آورده شود؛ و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سببی خاص واجب می‌شود، و برنامه‌ای همیشگی و هر روزه ندارند.

جهت آشنایی با نمازهای واجب به این نمودار توجه کنید:

- |                                    |                      |            |
|------------------------------------|----------------------|------------|
| ۱ - صبح                            |                      |            |
| ۲ - ظهر                            |                      |            |
| ۳ - عصر                            | ۱ - هر روزه (یومیّه) |            |
| ۴ - مغرب                           |                      |            |
| ۵ - عشاء                           |                      | ۱ - واجب   |
| ۱ - آیات                           |                      |            |
| ۲ - طواف واجب                      |                      |            |
| ۳ - میت                            | ۲ - مقطعی            | اقسام نماز |
| ۴ - قضای نمازهای پدر بر پسر بزرگتر |                      |            |
| ۵ - نمازی که با نذر واجب می‌شود    |                      |            |

۲ - مستحب: نمازهای مستحب بسیار است

۲. مستدرک الوسائل - ج ۳ - ص ۲۵ - ح ۳/۲۹۲۴.

۱. عنکبوت: ۴۵.

۳. مستدرک الوسائل - ج ۳ - ص ۲۵ - ح ۴/۲۹۲۵.

**وقت نمازهای روزانه:**

نمازهای روزانه، پنج نماز، و مجموع آنها هفده رکعت است.

نماز صبح	:	دو رکعت
نماز ظهر	:	چهار رکعت
نماز عصر	:	چهار رکعت
نماز مغرب	:	سه رکعت
نماز عشاء	:	چهار رکعت

اولین سئوالی که در رابطه با نمازهای روزانه به ذهن متبادر می‌شود، این است که این نمازها دقیقاً در چه وقتی باید خوانده شوند.

وقت نماز صبح	:	از اذان صبح تا طلوع آفتاب
وقت نماز ظهر و عصر	:	از ظهر شرعی تا غروب آفتاب
وقت نماز مغرب و عشاء	:	از مغرب تا نصف شب

**توضیح****اذان صبح و وقت نماز صبح**

نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سپیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اول» گویند، هنگامی که آن سپیده پهن شد، «فجر دوم» و ابتدای وقت نماز صبح است.

**وقت نماز ظهر:**

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است.

**وقت نماز عصر:**

وقت نماز عصر از پس از ادای نماز ظهر تا غروب آفتاب است.

**وقت نماز مغرب:**

«مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بالای سر انسان بگذرد. این زمان، اول وقت شرعی نماز مغرب است.

**وقت نماز عشاء**

اگر فاصله بین غروب آفتاب تا اول آفتاب روز بعد را دو نیم کنیم، وسط آن «نیمه شب» و آخر وقت نماز عشاء است. پس اول وقت نماز عشاء از پس از ادای نماز مغرب تا نیمه شب است.

## احکام وقت نماز

۱- نمازهای غیر روزانه و مقطعی دارای وقت مشخصی نمی‌باشد، بلکه وقت انجام آنها بستگی به زمانی دارد که آن نماز - به هر دلیل و علتی - واجب می‌شود.  
مثلاً؛ نماز آیات بستگی به زلزله یا کسوف یا خسوف و یا حادثه‌ای دارد که پیش آمده است، و نماز میت هم زمانی واجب می‌شود که مسلمانی از دنیا برود، که تفصیل هر کدام در جای خود خواهد آمد.  
۲- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود، و یا نماز عمدتاً، قبل از وقت شروع شود، باطل است. حتی اگر نماز سهواً پیش از وقت شروع شود و بعد از نماز دانسته شود که قسمتی از نماز پیش از وقت خوانده شده، بنابر احتیاط نماز اعاده می‌شود.

اگر نماز در وقت خودش خوانده شود در اصطلاح احکام، گویند: نماز «آداء» شده است.  
اگر نماز بعد از وقت خوانده شود، در اصطلاح احکام گویند: نماز «قضاء» شده است.

۳- مستحب است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند، و هر چه به اوّل وقت نزدیک‌تر باشد بهتر است؛ مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند تا نماز به جماعت خوانده شود.  
۴- اگر وقت نماز تنگ باشد، و در صورتی که فرد بخواهد مستحبات نماز را به جا آورد، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید مستحبات را بجا نیاورد، مثلاً اگر بخواهد قنوت بخواند، وقت می‌گذرد، باید قنوت نخواند.

### خلاصه درس ۱۱

- ۱- نمازهای واجب بر دو دسته است:  
الف: نمازهای روزانه (یومیه)  
ب: نمازهایی که گاهی اوقات واجب می‌شود. (مقطعی)
- ۲- نمازهای روزانه عبارت‌اند از: نمازهای صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء.
- ۳- نمازهایی که گاهی واجب می‌شود عبارت‌اند از: نماز آیات، نماز طواف، نماز میت، نماز قضای پدر بر پسر بزرگتر، و نماز نذری.
- ۴- وقت نمازهای روزانه بدین شرح است:  
وقت نماز صبح: از اذان صبح تا طلوع آفتاب  
وقت نماز ظهر: از ظهر شرعی تا قبل از نماز عصر  
وقت نماز عصر: از پس از ادای نماز ظهر تا غروب آفتاب  
وقت نماز مغرب: از غروب آفتاب تا قبل از نماز عشاء  
وقت نماز عشاء: از پس از ادای نماز مغرب تا نیمه شب
- ۵- زمان دمیدن فجر دوم وقت اذان صبح و ابتدای وقت نماز صبح است.
- ۶- آنگاه که سایه اشیاء عمود بر زمین به کمترین مقدار برسد و رو به افزایش گذارد ظهر شرعی است.
- ۷- پس از غروب آفتاب، آنگاه که سرخی طرف مشرق از بالای سر بگذرد، مغرب است.
- ۸- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود، باطل است.

۹- نماز ادا به نمازی گویند که در وقت خود خوانده شود؛ و نماز قضاء نمازی است که بعد از وقت خوانده می‌شود.

**پرسش:**

- ۱- فرق بین نماز واجب و مستحب را توضیح دهید.
- ۲- نمازهایی را که همیشه در شب باید خوانده شود نام ببرید.
- ۳- دو نمونه از علل وجوب نماز آیات را نام ببرید.
- ۴- برای تشخیص مغرب باید به مشرق بنگریم یا به مغرب؟

**تمرین:**

امروز با قرار دادن چوبی عمود بر زمین، ظهر را مشخص کنید.

## درس ۱۲

## قبله، پوشش

## قبله

- ۱- خانه کعبه، که در شهر مکه و در مسجد الحرام قرار دارد، «قبله» است، و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند، به نحوی که در حالت ایستاده صورت، سینه و شکم او رو به کعبه قرار می‌گیرد.
- ۲- اگر کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است، طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است.

## پوشانیدن بدن در نماز

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است، مسأله پوشش است. اکنون به بیان مقدار پوشش و شرایط آن می‌پردازیم:

## مقدار پوشش

- ۱- مرد؛ باید عورتین را بپوشاند، و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند حتی (اگر کسی او را نبیند).
  - ۲- لباس نمازگزار باید این شرایط را دارا باشد:
    - \* پاک باشد (نجس نباشد).
    - \* مباح باشد (غصبی نباشد).
    - \* از اجزاء مردار نباشد، مثلاً از پوست حیوان حلال گوشتی که مطابق دستور اسلام کشته نشده است تهیه نشده باشد، (حتی کمر بند و کلاه)
    - \* از حیوان حرام گوشت نباشد، مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد. (حتی سر مویی از حیوان حرام گوشت مثل گربه نباید همراه نمازگزار باشد).
    - \* اگر نمازگزار مرد است لباس او طلا باف یا ابریشم خالص نباشد.
- گفتنی است که علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.

## در این موارد نماز خواندن با بدن یا لباس نجس، باطل است:

- \* عمداً با بدن یا لباس نجس نماز خوانده شود، یعنی با این که فرد می‌داند بدن یا لباسش نجس است با همان حال نماز بخواند.
- \* فرد در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده، و به جهت ندانستن مسأله با بدن یا لباس نجس نماز خوانده باشد.
- \* نجس بودن بدن یا لباس را می‌دانسته، ولی هنگام نماز فراموش کرده و با آن نماز خوانده است.

## در این موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

- \* فرد نداند بدن یا لباسش نجس است، و بعد از نماز متوجه شود.
- \* به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده، و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم طوری

است که برای بیشتر مردم دشوار است.

- \* لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده باشد، مقدار آلودگی هم کمتر از دَرْهَم باشد. (یک درهم تقریباً به اندازه بند سر انگشت سبابه می‌باشد) منتهی به شرطی که آلودگی ناشی از خون سگ یا خوک یا کافر یا مردار و یا حیوان حرام گوشت نباشد. در این صورتها، سر سوزنی خون هم نماز را باطل می‌کند.
- \* فرد ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، مثلاً آب برای تطهیر نداشته باشد.

### چند مسأله:

- ۱- اگر پوششهای کوچک نمازگزار مثل دستکش و جوراب، نجس باشد، و یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزاء مردار یا حرام گوشت نباشد، اشکال ندارد.
- ۲- پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها، و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتی عقیق در نماز، مستحب است.
- ۳- پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن تکمه‌های لباس در نماز مکروه است.
- ۴- اگر نمازگزار نداند یا فراموش کند که لباسش غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.
- ۵- اگر نمازگزار با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده، لباس بخرد، نماز خواندن در آن، حکم لباس غصبی را دارد.

### خلاصه درس ۱۲

- ۱- خانه کعبه که در مسجد الحرام و در شهر مکه قرار دارد قبله است، و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند.
- ۲- اگر نمازگزار طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند کافی است.
- ۳- مردان باید در نماز عورتین را بپوشانند، و بهتر است از ناف تا زانو پوشانده شود.
- ۴- بدن و لباس نمازگزار باید پاک باشد.
- ۵- لباس نمازگزار باید مباح باشد، و از اجزاء مردار و یا حیوان حرام گوشت نباشد.
- ۶- اگر نمازگزار نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود، نمازش صحیح است.
- ۷- اگر نمازگزار از قبل بداند که بدن یا لباسش نجس است، ولی هنگام نماز فراموش کرده باشد، نمازش باطل است.

### پرسش:

- ۱- شرایط لباس نمازگزار چیست؟
- ۲- اگر پس از نماز متوجه شود که لباسش نجس است، نمازش چه حکمی دارد؟
- ۳- در چه صورتی نمازگزار (با این که می‌داند لباسش نجس است) می‌تواند با آن لباس نماز بخواند؟
- ۴- اگر بین نماز متوجه شود لباسش نجس است تکلیف چیست؟
- ۵- برای حالات اضطراری که می‌توان با بدن یا لباس نجس نماز خواند، سه مثال بیاورید.

## درس ۱۳

## مکان نمازگزار، اذان و اقامه

مکانی که انسان بر آن نماز می‌خواند باید دارای شرایط زیر باشد:

- \* مباح باشد (غصبی نباشد).
- \* بی‌حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد).
- \* تنگ و سقف آن کوتاه نباشد، تا بتواند قیام و رکوع و سجود را، به طور صحیح، انجام دهد.
- \* جایی که پیشانی را در حال سجده می‌گذارد پاک باشد.
- \* مکان نمازگزار اگر نجس است طوری مرطوب نباشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند.
- \* جایی که پیشانی را در حال سجده می‌گذارد از جای ایستادن در قیام، بیش از چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلند تر نباشد.
- \* اگر زن بخواهد جلوتر از مرد بایستد، بین مرد و زن در حال نماز، اقلماً باید به مقدار یک وجب فاصله باشد. نماز خواندن در فاصله کمتر از ده ذراع مکروه است.
- \* نمازگزار باید در جایی نماز بخواند که احتمال بدهد نماز را در آنجا تمام می‌کند. نماز خواندن در جایی که به علت باد و باران و جمعیت و مانند اینها، امکان اتمام نماز را به نمازگزار نمی‌دهد، صحیح نیست، (هر چند اتفاقاً نماز را تمام کرده باشد).

## احکام مکان نمازگزار:

- ۱- نماز خواندن در مکانی غصبی (مثلاً در خانه‌ای بدون اجازه صاحبخانه، در خانه‌ای که مدت اجاره‌اش تمام شده، و صاحبخانه از مستأجر می‌خواهد که آنجا را تخلیه کند) باطل است.
- ۲- در حال ناچاری نماز خواندن بر چیزی که حرکت می‌کند، مانند قطار و هواپیما و یا در جایی که سقف آن کوتاه و یا جایش تنگ است، اشکال ندارد. (که البته در هر مورد باید شرایط خاصی را رعایت کرد).
- ۳- انسان باید رعایت ادب کند، و جلوتر از قبر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علیه‌السلام نماز نخواند که اگر نماز خواندن در جلو قبر معصوم علیه‌السلام اهانت محسوب شود نماز باطل است.
- ۴- مستحب است، انسان نماز را در مسجد بخواند، امری که در اسلام بسیار مورد سفارش قرار گرفته است.

## آمادگی برای نماز

اکنون، پس از فراگرفتن مسایل وضو، غسل، تیمم، وقت نماز، پوشش و مکان نمازگزار، آماده شروع نماز می‌شویم.

## اذان و اقامه

۱- بر نمازگزار مستحب است، قبل از نمازهای یومیّه، ابتدا اذان بگوید، و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند.

## اذان

مرتبۀ ۴	.....	اللَّهُ أَكْبَرُ
مرتبۀ ۲	.....	أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
مرتبۀ ۲	.....	أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
مرتبۀ ۲	.....	أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ
مرتبۀ ۲	.....	حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ
مرتبۀ ۲	.....	حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ
مرتبۀ ۲	.....	حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
مرتبۀ ۲	.....	اللَّهُ أَكْبَرُ
مرتبۀ ۲	.....	لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

## اقامه

مرتبۀ ۲	.....	اللَّهُ أَكْبَرُ
مرتبۀ ۲	.....	أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
مرتبۀ ۲	.....	أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
مرتبۀ ۲	.....	أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ
مرتبۀ ۲	.....	حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ
مرتبۀ ۲	.....	حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ
مرتبۀ ۲	.....	حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
مرتبۀ ۲	.....	قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
مرتبۀ ۲	.....	اللَّهُ أَكْبَرُ
مرتبۀ ۱	.....	لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

توجه: جمله «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» جزء اذان و اقامه نیست، ولی بهتر است به قصد قربت گفته شود.

## احکام اذان و اقامه

- ۱- اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود، و اگر قبل از وقت گفته شود باطل است. (در مورد نماز صبح، می توان اذان را نزدیک طلوع فجر گفت.)
- ۲- اقامه باید بعد از اذان گفته شود، و اگر قبل از اذان گفته شود، صحیح نیست.
- ۳- نباید فاصله بین جملات اذان یا اقامه، زیاده از حد معمول باشد، چه اگر فاصله بیش از حد متعارف باشد، اذان یا اقامه را باید تجدید کرد.
- ۴- اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته شده باشد، کسی که با آن جماعت نماز می خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.
- ۵- در نمازهای مستحبی و نمازهای واجب غیر یومیه، گفتن اذان و اقامه ضرورتی ندارد.



۶- مستحب است که در بدو تولد کودک، و تا پیش از افتادن بند نافش، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفته شود.

۷- مستحب است کسی که برای گفتن اذان تعیین می شود، عادل و وقت شناس و صدایش رسا باشد.

### خلاصه درس ۱۳

۱- مکان نمازگزار باید دارای شرایط زیر باشد:

\* مباح باشد.

\* بی حرکت باشد.

\* جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد.

\* جای پیشانی (در سجده) پاک باشد.

\* پست و بلند نباشد.

\* اگر مکان نجس است، به بدن یا لباس نمازگزار سرایت نکند.

\* احتمال بدهد در آنجا می تواند نماز را تمام کند.

۲- نماز خواندن در مکان غصبی باطل است.

۳- در حال ناچاری می توان در مکان متحرک، در جایی که سقف آن کوتاه است، و بر مکان پست و بلند نماز

خواند.

۴- مستحب است انسان نماز را در مسجد بخواند.

۵- مستحب است قبل از شروع نماز، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند.

۶- اقامه باید بعد از اذان گفته شود.

۷- کسی که در نماز جماعت شرکت می کند، اگر برای آن نماز اذان و اقامه گفته باشند، نباید برای نماز خود اذان

و اقامه بگوید.

### پرسش:

۱- نماز خواندن بر فرش نجس چه حکمی دارد؟

۲- آیا بر سجاده ای که دیگری برای خود پهن کرده است، می توان نماز خواند؟ چرا؟

۳- اذان با اقامه چه تفاوتی دارد؟

۴- نماز خواندن در قطار و هواپیما چه حکمی دارد؟

۵- دو مورد از مواردی که اذان و اقامه ساقط می باشد، را نام ببرید.

## درس ۱۴

## واجبات نماز (۱)

- ۱- نماز با گفتن «اَللّٰهُ اَكْبَرُ» شروع می‌شود و با سلام به پایان می‌رسد.
- ۲- واجبات نماز، یازده تا است که برخی رُکن و برخی غیر رکن به حساب می‌آیند.

- |                       |     |
|-----------------------|-----|
| ۱- نیت                |     |
| ۲- قیام               |     |
| ۳- تکبیرة الاحرام     | رکن |
| ۴- رکوع               |     |
| ۵- دو سجده در هر رکعت |     |

## واجبات نماز

- |           |         |
|-----------|---------|
| ۱- قرائت  |         |
| ۲- ذکر    |         |
| ۳- تشهد   | غیر رکن |
| ۴- سلام   |         |
| ۵- ترتیب  |         |
| ۶- موالات |         |

## فرق بین رُکن و غیر رُکن:

ارکان نماز، اجزاء اساسی آن به شمار می‌آید، که چنانچه هر یک از آنها به جا آورده نشود (هر چند اشتباهاً هم باشد) نماز باطل است. اما در مورد زیاد شدن ارکان، اگر عمدی باشد در هر حال نماز باطل است، ولی در حالت سهوی، اگر زیادی در رکوع یا دو سجده از یک رکعت باشد، نماز باطل و در غیر آن صورت باطل نیست. واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است، ولی چنانچه از روی اشتباه، کم یا زیاد شود نماز باطل نیست.

## احکام واجبات نماز

## نیت

- ۱- نمازگزار، باید نماز را از آغاز تا پایان به منظور اطاعت از فرمان خداوند عالم بجا آورد.
- ۲- به زبان آوردن نیت، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.
- ۳- نماز، باید از هرگونه ریا و خودنمایی به دور باشد، یعنی نمازگزار نماز را تنها برای اطاعت از دستور خداوند بجا آورد. چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، نماز باطل است.

## تکبيرة الاحرام

همان گونه که گذشت، نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» آغاز می‌شود، از آن جهت به آن «تکبيرة الاحرام» که بسیاری از کارهایی که قبل از نماز جایز بوده (مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن) بر نمازگزار حرام می‌شود.

### واجبات تکبيرة الاحرام:

- ۱- به عربی صحیح گفته شود.
- ۲- بدن نمازگزار به هنگام گفتن «اللَّهُ اکبر» آرام باشد، و اگر عمداً حرکت کند نماز باطل است.
- ۳- تکبيرة الاحرام را طوری بگوید که اگر مانعی در کار نباشد خودش بشنود، یعنی بسیار آهسته نگوید.
- ۴- بنا بر احتیاط واجب\* آن را به چیزی که پیش از آن می‌خوانده، وصل نکند.
- ۵- در حال قیام بگوید.

مستحب است نمازگزار در موقع گفتن تکبيرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد

### قیام:

قیام یعنی ایستاده بودن، که در بعضی موارد، از ارکان نماز است و ترک آن نماز را باطل می‌کند، ولی افرادی که نمی‌توانند ایستاده نماز بخوانند، وظیفه‌ای دارند که در مسایل آینده خواهد آمد.

- |   |     |
|---|-----|
| ۱- قیام به هنگام تکبيرة الاحرام         | رکن |
| ۲- قیام پیش از رکوع (قیام متصل به رکوع) |     |

### اقسام قیام

- |                        |         |
|------------------------|---------|
| ۱- قیام در هنگام قرائت | غیر رکن |
| ۲- قیام بعد از رکوع    |         |

### احکام قیام:

۱- واجب است نمازگزار پیش از گفتن تکبيرة الاحرام و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته‌است.

۲- قیام پیش از رکوع بدان معنی است که نمازگزار در حالت ایستاده به رکوع برود، بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد، سپس به رکوع برود و پس از آن سجده‌ها را به جا آورد.

۳- اموری که در حال قیام باید از آن پرهیز شود:

\* به طرفی خم شدن، به گونه‌ای که نمازگزار عرفاً از حال قیام خارج شود.

\* به جایی یا چیزی تکیه کردن.

\* پاها را زیاد از حد باز گذاشتن، به طوری که عرفاً از حال قیام خارج شود.

۴- احتیاط مستحب است که نمازگزار موقع ایستادن هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن

روی هر دو پا باشد، و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.

- ۵- کسی که به هیچ وجه نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته رو به قبله نماز بخواند، و اگر نشسته هم به هیچ وجه نتواند نماز بخواند، باید خوابیده نماز بخواند. (به پهلو راست رو به قبله و اگر به این شکل هم نتواند به پهلو چپ رو به قبله و اگر این طور هم نتوانست به پشت، که پاهایش رو به قبله باشد).
- ۶- واجب است نمازگزار بعد از انجام رکوع به طور کامل بایستد، و سپس به سجده برود، که چنانچه این قیام عمداً ترک شود، نماز باطل است.

### خلاصه درس ۱۴

- ۱- واجبات نماز یازده تا است که پنج تای آن رکن و بقیه غیر رکن است.
- ۲- فرق بین رکن و غیر رکن این است که اگر یکی از ارکان نماز کم یا زیاد شود، هر چند از روی اشتباه هم باشد نماز باطل است، ولی کم یا زیاد شدن غیر رکن اگر از روی اشتباه باشد نماز باطل نیست. (زیادی ارکان در نماز، در دو مورد باعث بطلان نماز می شود).
- ۳- نیت نماز باید خالی از هرگونه ریا و خودنمایی باشد.
- ۴- تکبیر الاحرام باید به عربی صحیح گفته شود.
- ۵- قیام به هنگام تکبیر الاحرام و قیام متصل به رکوع، رکن است، ولی قیام هنگام قرائت و قیام پس از رکوع رکن به حساب نمی آید. اما واجب است که چنانچه عمداً ترک شود، نماز باطل است.
- ۶- در حال قیام نباید به چیزی تکیه کرد و پاها را زیاد باز گذارد، ولی تمام این موارد در حال ناچاری اشکال ندارد.
- ۷- کسی که نمی تواند ایستاده نماز بخواند باید نشسته نماز بخواند، و کسی که نمی تواند نشسته بخواند باید خوابیده نماز بخواند.

### پرسش:

- ۱- ارکان نماز را برشمارید و فرق رکن را با غیر رکن بیان فرمایید.
- ۲- چرا به **اللَّهُ أَكْبَرُ** اول نماز، تکبیر الاحرام می گویند؟
- ۳- نیت را توضیح دهید.
- ۴- قیام را توضیح داده و اقسام آن را بیان فرمایید.
- ۵- قیام قبل و بعد از رکوع را توضیح داده و فرق آن دو را بگویید.

## درس ۱۵

## واجبات نماز (۲)

## قرائت

خواندن حمد و یک سوره دیگر در رکعت اول و دوم نماز، و خواندن حمد (بدون سوره) یا تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم را «قرائت» گویند.

## سوره حمد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ \* إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ \* أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \*  
 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ \* غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ \*

در رکعت اول و دوم نماز باید پس از حمد، سوره دیگری از قرآن، خوانده شود، مثلاً سوره «توحید»:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \* اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ \* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ \*

و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سوره حمد، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود؛ چنانچه تسبیحات اربعه یک مرتبه هم خوانده شود کافی است.

## تسبیحات اربعه:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

## احکام قرائت

۱- قرائت رکعت سوم و چهارم نماز باید آهسته خوانده شود، ولی حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز

به این شرح است:

نماز	نمازگزار	حکم
ظهر و عصر	مرد و زن	باید آهسته بخواند
مغرب، عشاء، صبح	مرد	باید بلند بخواند
	زن	اگر نامحرم صدای او را نمی‌شنود می‌تواند بلند بخواند، و اگر می‌شنود، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

۲- اگر نمازگزار در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است.

۳- اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است، (می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده است یا بر عکس) لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.

۴- انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند، و کسی که اصلاً نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد.

۵- اگر نمازگزار تلفظ کلمه‌ای را صحیح بداند، و احتمال تلفظ دیگری را برای آن کلمه ندهد، مثلاً تلفظ «عَبْدُهُ» را در تشهد «عَبْدُهُ» بداند، و در نماز هم همان طور بخواند، و بعداً غلط بودن آن را بفهمد، اعاده نماز ضرورتی ندارد. ولی اگر احتمال غلط بودن آن را داده باشد، و در عین حال از پرسیدن مسأله و یاد گرفتن حکم کوتاهی کرده باشد، باید نماز خود را اعاده کند.

۶- در دو مورد زیر نمازگزار نباید در رکعت اول و دوم، سوره بخواند، بلکه باید تنها به خواندن حمد اکتفا

کند:

الف: وقت نماز تنگ باشد.

ب: ناچار باشد که سوره نخواند، مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده، یا چیز دیگری به او صدمه بزند.

۷- در نمازهای مستحبی واجب نیست سوره خوانده شود، مگر این که سوره خاصی در آن وارد شده باشد، که در این صورت باید به همان نحوی که در دستور آن نماز آمده رفتار شود.

۸- در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه یک مرتبه گفته شود.

۹- اگر نمازگزار یکی از کلمات حمد و سوره را نداند، یا عمداً آن را نگوید یا به جای حرفی، حرف دیگری بگوید (مثلاً به جای ض، ظ بگوید)، یا جایی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود زیر و زبر بدهد یا تشدید یا مد واجب را نگوید، نماز باطل است.

۱۰- بنا بر احتیاط واجب در قرائت نماز وقف به حرکت و وصل به سکون جایز نیست.

#### بعضی از مستحبات قرائت:

۱- نمازگزار در رکعت اول پیش از حمد: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» بگوید؛

۲- در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگوید.

۳- حمد و سوره را شمرده بخواند، و در آخر هر آیه وقف کند، یعنی آن را به آیه بعد نچسباند.

۴- در حال خواندن حمد و سوره به معنای آن توجه داشته باشد.

۵- در تمام نمازها در رکعت اول، سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و در رکعت دوم سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند.

#### ذکر

یکی از واجبات رکوع و سجده، «ذکر»، یعنی گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا «اللَّهُ أَكْبَرُ» و مانند آن است، که تفصیل هر

یک خواهد آمد.

### خلاصه درس ۱۵

- ۱- قرائت نماز، خواندن «حمد» و سوره دیگری از قرآن در رکعت اول و دوم نماز و خواندن «حمد» (بدون سوره) یا تسبیحات در رکعت سوم و چهارم است.
- ۲- قرائت رکعت سوم و چهارم نماز باید آهسته خوانده شود.
- ۳- پسرها و مردان باید حمد و سوره رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخوانند.
- ۴- حمد و سوره نماز ظهر و عصر باید آهسته خوانده شود.
- ۵- در تنگی وقت و در حال ناچاری باید سوره نخواند، و تسبیحات اربعه را هم یکبار گفت.
- ۶- انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند.

### پرسش:

- ۱- قرائت چیست؟ توضیح دهید.
- ۲- آیا تاکنون قرائت خود را برای کسی خوانده‌اید؟ اگر پاسخ منفی است، قرائت خود را برای استاد خود بخوانید و آن را اصلاح کنید.
- ۳- آیا می‌توان تسبیحات اربعه را بلند خواند؟
- ۴- آیا بلند خواندن حمد و سوره در نماز واجب است؟
- ۵- مردی حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را تاکنون آهسته خوانده است، تکلیف او نسبت به نمازهای گذشته چیست؟
- ۶- آیا تاکنون در نمازتان اشتباهی بوده است که اکنون متوجه آن شده باشید؟
- ۷- در چه صورتی نمازگزار نباید سوره بخواند، و باید تسبیحات اربعه را نیز یک مرتبه بگوید؟

## درس ۱۶

## واجبات نماز (۳)

## رکوع

۱- نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند حداقل نوک انگشتان بزرگ دست را به زانو بگذارد. این عمل را «رکوع» می‌گویند.

۱- رکوع، یعنی خم شدن به مقداری که بیان شد.

۲- ذکر، (گفتن حداقل، سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ**).

واجبات رکوع ۳- آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع.

۴- ایستادن بعد از رکوع.

۵- آرامش بدن بعد از رکوع.

## ذکر رکوع

در رکوع (در حال اختیار) بهتر آن است که سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» گفته شود، و ظاهر این است که گفتن هر ذکری که به این مقدار باشد کفایت می‌کند، ولی در حال تنگی وقت و در حال ناچاری گفتن یک «سُبْحَانَ اللَّهِ»، کافیست.

## آرامش بدن در رکوع

۱- در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد. (بلکه در اذکار مستحبی هم باید آرام باشد مگر این که ذکر مستحبی به قصد قربت مطلقه گفته شده باشد).

۲- اگر نمازگزار پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.

۳- اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع برداشته شود نماز باطل است.

## ایستادن و آرامش بعد از رکوع

نمازگزار باید بعد از تمام شدن ذکر رکوع، بایستد، و بعد از آن که بدن آرام گرفت به سجده برود، و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود، نمازش باطل است.

## وظیفه نمازگزاری که نمی‌تواند به طور معمول رکوع کند:

۱- کسی که نمی‌تواند به مقدار رکوع خم شود باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند، و اگر در این حالت هم نتواند به طور معمول رکوع کند، بنابر احتیاط به هر اندازه که می‌تواند خم شود و اشاره به رکوع نیز بنماید.

۲- کسی که اصلاً نتواند خم شود باید برای رکوع با سر اشاره نماید.



### برخی از مستحبات رکوع

- ۱- نمازگزار مستحب است ذکر رکوع را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوید.
- ۲- مستحب است پیش از رفتن به رکوع، در حالی که راست ایستاده، تکبیر بگوید.
- ۳- مستحب است در حال رکوع بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند.
- ۴- مستحب است پیش از ذکر رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد.
- ۵- مستحب است بعد از رکوع، هنگامی که ایستاده و بدن آرام گرفته بگوید «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».

### سجود

- ۱- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده بجا آورد.
- ۲- سجده آن است که پیشانی به قصد خضوع به زمین گذارده شود، و در حال سجده در نماز واجبست که کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) بر زمین گذاشته شود.
  - ۱- گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین.
  - ۲- ذکر.
  - ۳- آرامش بدن در حال ذکر سجده.
  - ۴- سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده.
  - ۵- بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.
  - ۶- مساوی بودن مواضع سجده به اندازه چهار انگشت بسته (که قبلاً بیان شده است).
  - ۷- گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.
  - ۸- پاک بودن جایی که پیشانی بر آن گذارده می شود.

### واجبات سجده

تفصیل واجبات سجده در درس آینده خواهد آمد.

### خلاصه درس ۱۶

- ۱- در هر رکعت از نماز، پس از قرائت، بجا آوردن یک رکوع لازم است.
- ۲- رکوع عبارت است از خم شدن به مقداری که بتوان دست را به زانو گذارد.
- ۳- واجبات رکوع عبارت است از:
  - \* خم شدن به مقداری که گفته شد.
  - \* ذکر و آرامش بدن در حال ذکر.
  - \* ایستادن و آرامش بعد از رکوع.
- ۴- ذکر رکوع باید در حال آرامش بدن گفته شود، و در حال رفتن به رکوع و برخاستن از آن گفته نشود.
- ۵- نمازگزار باید پس از رکوع، دو سجده بجا آورد.
- ۶- در سجده باید هفت عضو بدن شامل، پیشانی، کف دو دست، سر زانوها و نوک انگشتان بزرگ پا (شست) بر زمین گذارده شود.

## پرسش:

- ۱- فرق رکوع و ذکر رکوع چیست؟
- ۲- مقدار توقف در حالت رکوع چقدر است؟
- ۳- آیا ایستادن بعد از رکوع واجب است؟
- ۴- سجده را تعریف کنید، و بگویید سجده جزو کدام دسته از واجبات نماز است؟
- ۵- چهار مورد از واجبات رکوع را بیان کنید.

## درس ۱۷

## واجبات سجده

## ذکر:

در سجده و در حال اختیار، بهتر آن است که سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» گفته شود، و ظاهر این است که هر ذکری که به این مقدار باشد، کفایت می‌کند.

## آرامش:

- ۱- بدن در حالت سجده باید به مقدار ذکر واجب، آرام باشد. (حکم در مورد اذکار مستحبی، همانند حکم رکوع است.)
- ۲- اگر پیش از آن که پیشانی نمازگزار به زمین برسد و آرام گیرد عمداً ذکر را بگوید نماز باطل است، و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دو باره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.

## سر برداشتن از سجده:

- ۱- نمازگزار بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد، و دوباره به سجده رود.
- ۲- اگر پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.

## بر زمین بودن هفت عضو:

- ۱- اگر موقعی که نمازگزار ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو خود را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.
- ۲- اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد مانع ندارد.

## مساوی بودن مواضع سجده:

- ۱- نباید جای پیشانی نمازگزار از محل سرانگشتان پا، و نیز از جای ایستادنش در هنگام قیام پست تر یا بلندتر از چهار انگشت بسته باشد.

گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است:

۱- نمازگزار در سجده باید پیشانی را بر زمین و یا آنچه که از زمین می‌روید (ولی خوراکی و پوشاکی نیست) چون چوب و برگ قرار دهد.

۲- نمونه‌هایی از چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است:

- |           |        |
|-----------|--------|
| * خاک     | * چوب  |
| * سنگ     | * چمن  |
| * گل پخته | * کاغذ |
| * گچ      |        |

### احکام سجده

۱- سجده بر چیزهایی مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه، که از اجزاء زمین شمرده نشود صحیح نیست.

۲- سجده کردن برای غیر خداوند حرام است.

۳- سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاه صحیح است.

۴- سجده بر کاغذ، اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد صحیح است.

۵- برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام می‌باشد، و بعد از آن بدین ترتیب:

\* خاک

\* سنگ

\* گیاه

۶- اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد باید برای سجده دوم مهر را بردارد.

وظیفه نمازگزارى که نمی‌تواند به طور معمول سجده کند:

نمازگزارى که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند خم شود، و مهر را بر جای بلندی

مثل بالش، بگذارد و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا

را به طور معمول بر زمین بگذارد.

بعضی از مستحبات سجده:

۱- در این موارد، مستحب است تکبیر گفته شود:

\* بعد از رکوع و قبل از سجده اول.

\* بعد از سجده اول، در حالی که نشسته است و بدنش آرام است.

\* قبل از سجده دوم، در حالی که نشسته است و بدنش آرام است.

\* بعد از سجده دوم.

۲- طول دادن سجده‌ها مستحب است.

۳- گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بعد از سجده اول در حالی که بدن آرام گرفته مستحب است.

۴- صلوات فرستادن در سجده‌ها مستحب است.

### خلاصه درس ۱۷

- ۱- تمام ذکر رکوع باید در حالی که بدن آرام است گفته شود.
- ۲- در سجده، باید پیشانی، کف دو دست، زانوها، نوک انگشتان شست پا بر زمین گذارده شود.
- ۳- جایگاه سجده باید هموار باشد، و بیش از چهار انگشت بسته، از محل سر انگشتان پا پست تر و یا بلندتر نباشد.
- ۴- سجده بر چوب، خاک، سنگ، کلوخ و گل پخته صحیح است.
- ۵- سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک یا پوشاک انسان می‌باشد، صحیح نیست.
- ۶- برای سجده، بهتر از هر چیز، تربت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام است.

### پرسش:

- ۱- سجده را تعریف کنید و بگویید جزو کدام دسته از واجبات نماز است.
- ۲- مقدار ذکر واجب سجده را بگویید.
- ۳- مقصود از موالات بین دو سجده چیست؟ توضیح دهید.
- ۴- سجده بر چوب و پوست بادام و پوست سیب و پوست پرتقال چه حکمی دارد؟
- ۵- سجده بر کاغذ و قوطی کبریت چه حکمی دارد؟
- ۶- کسی که نمی‌تواند به طور معمول سجده کند، چه وظیفه‌ای دارد؟

## درس ۱۸

## احکام واجبات نماز

## سجده‌های واجب قرآن

۱- چهار آیه در چهار سوره قرآن وجود دارد، که اگر فردی آن آیات را تلاوت کند، و یا بشنود باید پس از تمام شدن هر یک از آیات، فوراً سجده کند.

۱- سوره سجده (سوره شماره ۳۲) آیه ۱۵

۲- سوره فُصِّلَتْ (سوره شماره ۴۱) آیه ۳۷

۳- سوره نَجْم (سوره شماره ۵۳) آیه ۶۲

۴- سوره عَلَق (سوره شماره ۹۶) آیه ۱۹

۲- سوره‌هایی که آیه سجده دارد

۳- چنانچه سجده فراموش شود، هر وقت بیاد آمد باید سجده واجب صورت گیرد.

۴- اگر آیه سجده از ضبط صوت شنیده شود، سجده لازم نیست.

۵- اگر آیه سجده از بلندگو یا رادیو یا تلویزیون شنیده شود، چنانچه صدای انسان را می‌رساند و از نوار استفاده نمی‌شود، یعنی همان وقت که صدا پخش می‌شود، شخصی در حال خواندن آن آیه است و این وسیله، صدای او را می‌رساند، سجده واجب می‌شود.

۶- بنا بر احتیاط واجب هنگام سجده برای این آیه‌ها، باید پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، گذارده شود.

۷- گفتن ذکر در این سجده مستحب است. (واجب نیست).

## ۸- تشهد:

نمازگزار در رکعت دوم و در آخر نمازهای واجب، باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

## ۹- سلام:

۱- نمازگزار در رکعت آخر هر نماز باید پس از تشهد، سلام دهد و نماز را به پایان ببرد.

۲- مقدار واجب سلام یکی از این دو عبارت زیر است:

الف: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

ب: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» و مستحب است به این جمله، عبارت وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ را نیز اضافه نماید.

۳- مستحب است قبل از این دو سلام «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

و پس از آن هم عبارات «الف» و «ب» گفته شود.

**۱۰- ترتیب:**

نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: نیت، تکبیرة الاحرام، قرائت، رکوع، و سجود. در رکعت دوم پس از سجود، تشهد خوانده شود و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام داده شود.

**۱۱- موالات:**

- ۱- موالات یعنی پشت سر هم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.
- ۲- اگر به قدری بین اجزای نماز فاصله بیفتد که گفته شود نمازگزار نماز نمی‌خواند، نماز باطل است.
- ۳- طول دادن رکوع و سجود، و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را بهم نمی‌زند.

**قنوت:**

- ۱- مستحب است نمازگزار در رکعت دوم نماز، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند، یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکر بخواند.
- ۲- اگر در قنوت هر ذکر گفته شود، گر چه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد کافی است؛ و می‌توان این دعا را خواند: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

**تعقیب نماز:**

- تعقیب (در نماز) یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز.
- ۱- بهتر است نمازگزار در حال تعقیب رو به قبله باشد.
  - ۲- لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده‌اند، خوانده شود.
  - ۳- بهترین تعقیب گفتن تسبیحات حضرت زهرا علیهاالسلام یعنی:
  - ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» است.

## خلاصه درس ۱۸

- ۱- سوره‌های، سجده، فُصِّلَتْ، نَجْم، و عَلَق دارای آیات سجده است، که با خواندن یا گوش دادن به آن آیات، سجده واجب می‌شود.
- ۲- با شنیدن آیه سجده از ضبط صوت، سجده واجب نمی‌شود، ولی اگر بلندگو یا رادیو یا تلویزیون به طور مستقیم (بدون استفاده از نوار ضبط شده) صدای قاری را پخش کند، سجده واجب می‌شود.
- ۳- در رکعت دوم و آخر نماز، خواندن تشهد واجب است.
- ۴- سلام، پایان بخش نماز است که در رکعت آخر، و پس از تشهد خوانده می‌شود.
- ۵- حفظ ترتیب بین اجزای نماز واجب است.
- ۶- ترتیب اجزای اصلی نماز بدین شرح است: نیت - تکبیرة الاحرام - قرائت - رکوع و سجود. در رکعت دوم پس از سجود تشهد خوانده می‌شود؛ و در رکعت آخر نماز هم پس از تشهد سلام است.

۷- اجزای نماز باید پشت سر هم انجام شود، که اگر بین آنها فاصله زیاد بیفتد، نماز باطل است.

پرسش:

- ۱- جایگاه تشهد را در نماز بیان فرمایید.
- ۲- مقدار سلام واجب و مستحب نماز را بیان کنید.
- ۳- فرق ترتیب و موالات را توضیح دهید.
- ۴- دعای دیگری برای قنوت غیر از آنچه در درس آمده است، بنویسید.

## درس ۱۹

## مُبطّلات نماز

- از زمانی که نمازگزار، تکبیرة الاحرام می‌گوید و نماز را شروع می‌کند تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می‌شود، که اگر یکی از آنها را در نماز انجام دهد نمازش باطل است. مهم‌ترین آنها عبارت است از:
- \* خوردن و آشامیدن، اما فرو بردن بقایای غذایی که لای دندانها مانده نماز را باطل نمی‌کند.
  - \* سخن گفتن عمدی.
  - \* خندیدن عمدی.
  - \* گریستن عمدی برای دنیا.
  - \* روی از قبله برگرداندن، اگر چه سهواً باشد.
  - \* کم یا زیاد کردن ارکان نماز، اگرچه سهواً باشد.
  - \* برهم زدن صورت نماز.
  - \* گذاشتن دستها بر روی هم به این قصد که جزء نماز است. (ولی اگر به این قصد نباشد و صرفاً به عنوان ادب صورت گرفته باشد، بنا بر احتیاط واجب، نماز باید اعاده شود).
  - \* گفتن آمین پس از حمد، در صورتی که قصد دعا در آن نباشد، و یا به قصد اینکه جزء نماز است صورت نگرفته باشد.

## احکام مُبطّلات نماز

## سخن گفتن

- ۱- اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید که یک حرف یا بیشتر داشته (هر چند بی معنا هم باشد) نمازش باطل است.
- ۲- در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند باید جواب او را بدهد، و بنا بر احتیاط واجب همان طور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلاً اگر گفته سلام علیکم، در جواب بگوید سلام علیکم. ولی در جواب علیکم السلام به هر یک از این دو شکل می‌تواند بگوید.

## خندیدن و گریستن:

- ۱- اگر نمازگزار به عمد و با صدا بخندد، نمازش باطل است. (لیخند زدن نماز را باطل نمی‌کند).
- ۲- اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً و با صدا گریه کند، نمازش باطل است. (گریه از ترس خدا یا برای آخرت، هر چند با صدا هم باشد، نماز را باطل نمی‌کند، بلکه از بهترین کارهاست. اما احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا، بی‌صدا هم گریه نکند).



**روی از قبله برگرداندن:**

- ۱- اگر نمازگزار عمدتاً به مقداری روی خود را از قبله برگرداند به طوری که گفته شود رو به قبله نیست، نمازش باطل است.
- ۲- اگر نمازگزار سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، نمازش باطل است، ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده باشد، نمازش صحیح است.

**برهم زدن صورت نماز**

- ۱- اگر نمازگزار در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها (هر چند از روی فراموشی باشد) نمازش باطل می‌شود.
- ۲- اگر نمازگزار در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.
- ۳- رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) بنا بر احتیاط واجب حرام است، مگر در حال ناچاری؛ مانند موارد زیر:

\* حفظ جان

\* حفظ مال

\* جلوگیری از ضرر مالی و بدنی

۴- شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم با شرایط زیر اشکال ندارد:

\* طلبکار، طلب خود را بخواهد و صبر نکند تا نماز او تمام شود.

\* وقت نماز تنگ باشد؛ یعنی، بتوان پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقت آن خواند.

\* در بین نماز نمی‌توان بدهی را تأدیه کرد.

۵- شکستن نماز برای پرداخت دین یا تأدیه مالی که اهمیت ندارد، مکروه است.

**چیزهایی که در نماز مکروه است:**

- ۱- برهم گذاشتن چشمها (مگر برای یافتن حضور قلب بیشتر باشد).
- ۲- بازی کردن با انگشتان و دستها.
- ۳- سکوت کردن در هنگام خواندن حمد یا سوره و یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی.
- ۴- هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.
- ۵- برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چرا که روی برگرداندن از قبله، به طور کامل، نماز را باطل می‌کند).

**خلاصه درس ۱۹**

۱- انجام کارهای زیر نماز را باطل می‌کند:

\* خوردن و آشامیدن

\* سخن گفتن عمدی

\* خندیدن عمدی

\* گریستن برای دنیا

\* روی از قبله برگرداندن (به طور کامل)

\* کم یا زیاد کردن ارکان نماز

\* بر هم زدن صورت نماز

۲- سخن گفتن عمدی در نماز هر چند واژه‌ای یک حرفی باشد، نماز را باطل می‌کند.

۳- خندیدن با صدا نماز را باطل می‌کند.

۴- گریستن با صدا و برای کار دنیا نماز را باطل می‌کند.

۵- اگر نمازگزار تمام صورت را به راست یا چپ قبله برگرداند و یا پشت به قبله کند، نمازش باطل است.

۶- اگر نمازگزار کاری کند که صورت نماز بهم بخورد، نمازش باطل است.

۷- شکستن نماز برای حفظ جان و مال و پرداخت بدهی مردم، در صورتی اشکال ندارد که طلبکار طلب خود

را بخواهد و صبر هم نکند تا نماز تمام شود، و وقت نماز هم وسعت کافی داشته باشد. (شکستن نماز برای تأدیه مالی

کم اهمیت، جایز نیست).

پرسش:

۱- چه کارهایی نماز را باطل می‌کند؟

۲- اگر کسی به نمازگزار سلام کند وظیفه نمازگزار چیست؟

۳- چه نوع خنده و گریه‌ای نماز را باطل نمی‌کند؟

## درس ۲۰

## ترجمه اذان، اقامه، نماز

## ترجمه اذان و اقامه:

\* «اللَّهُ أَكْبَرُ»

خدا بزرگتر از آن است که به وصف درآید.

\* «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

\* «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

گواهی می‌دهم که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله پیغمبر خدا است.

\* «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ»

گواهی می‌دهم که علی علیه‌السلام ولی خداست.

\* «حَتَّىٰ عَلَى الصَّلَاةِ»

بشتابید به سوی نماز.

\* «حَتَّىٰ عَلَى الْفَلَاحِ».

بشتابید به سوی رستگاری.

\* «حَتَّىٰ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ».

بشتابید به سوی بهترین کارها.

\* «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ»

نماز برپا شد.

\* «اللَّهُ أَكْبَرُ»

خدا بزرگتر از آن است که به وصف درآید.

\* «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

## ترجمه نماز

تکبیرة الاحرام: \* «اللَّهُ أَكْبَرُ»

خداوند بزرگتر از آن است که به وصف درآید.

ترجمه سوره حمد:

\* «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

بنام خداوند بخشنده مهربان؛

\* «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛

ستایش، مخصوص خدا، پروردگار و مالک جهانیان است؛

﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾؛

خدای بخشنده مهربان؛

﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾؛

صاحب روز پاداش (قیامت)؛

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾؛

تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم؛

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾؛

ما را به راه راست هدایت فرما؛

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾؛

راه آنان که به آنها نعمت داده‌ای؛

﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾؛

نه راه کسانی که بر آنها خشم شده است؛

﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾.

و نه راه گمراهان.

ترجمه سوره:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾.

بنام خداوند بخشنده مهربان.

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾؛

بگو اوست خدای یکتا؛

﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾؛

خدای بی نیاز؛

﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾؛

خدایی که نه فرزند کسی است و نه فرزندی دارد؛

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾.

و هیچ کسی، همتای او نیست.

ترجمه ذکر رکوع:

﴿سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ﴾

خدای بزرگ خود را می ستایم و پیراسته می شمرم.

ترجمه ذکر سجود:

﴿سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ﴾

خداوند خود را که از همه بالاتر است می ستایم و پیراسته می شمرم.

ترجمه تسبیحات اربعه:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

خدا پیراسته است، ستایش مخصوص خدا است، جز آفریدگار جهان خدایی نیست و خدا بزرگتر از آن است که به وصف درآید.

ترجمه تشهد:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ»

گواهی می‌دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست که یکتا و بی‌همتاست و شریک ندارد.

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»

و گواهی می‌دهم که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌بنده و فرستاده خداوند است.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست.

ترجمه سلام:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر.

«السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»

درود بر ما (نمازگزاران) و بر بندگان شایسته خدا.

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

درود بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما.

پرسش:

- ۱ - جمله‌ای را که در اقامه هست ولی در اذان نیست ترجمه کنید.
- ۲ - تسبیحات اربعه را ترجمه کنید.
- ۳ - سوره کوتاه دیگری - غیر از سوره‌ای که در درس آمده است - از قرآن انتخاب کرده و ترجمه کنید.
- ۴ - ترجمه اولین و آخرین جمله نماز چیست؟

## درس ۲۱

## شکایات نماز

گاهی ممکن است نمازگزار در انجام جزئی از نماز شک کند؛ مثلاً نداند تشهد را خوانده است یا نه، و یا نداند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده. گاهی هم در تعداد رکعاتی که خوانده است، شک کند؛ مثلاً نداند اکنون مشغول رکعت سوم است یا چهارم.

در مورد شکایات نماز احکام خاصی است، که بیان تمام موارد آن از حدّ این جزوه خارج است؛ ولی به طور مختصر، به بیان اقسام شک و احکام هر کدام می‌پردازیم:

## اقسام شک در نماز

## ۱- شک در اجزای نماز:

الف: اگر نمازگزار در انجام جزئی از اجزای نماز شک کند؛ مثلاً نداند که آن جزء را بجا آورده است یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده باشد؛ یعنی هنوز از محلّ آن جزء نگذشته باشد، باید آن را بجا آورد. ولی اگر بعد از داخل شدن در جزء بعدی شک پیش آمده باشد، یعنی از محلّ آن گذشته باشد، به چنین شکّی اعتناء نمی‌شود، و نماز ادامه می‌یابد و صحیح است. ولی اگر نمازگزار بعد به خاطر آورد که آن جزء را انجام نداده است، در صورتی که وارد رکن بعدی نشده باشد، باید برگردد و آن جزء را انجام دهد. ولی در صورتی که وارد رکن بعدی شده باشد و جزء فراموش شده هم رکن باشد، نمازش باطل است، و اگر رکن نباشد، اشکالی ندارد و نمازش صحیح است.

ب: اگر نمازگزار در صحت جزئی از نماز شک کند، یعنی نداند جزئی را که بجا آورده، صحیح انجام شده است یا نه، در این صورت به شکّ خود اعتناء نمی‌کند؛ یعنی بنا را بر صحیح بودن نماز می‌گذارد، و آن را ادامه می‌دهد و نماز صحیح است.

## ۲- شک در رکعات:

## \* شکهایی که نماز را باطل می‌کند:

۱- اگر در نماز دو یا سه رکعتی، مثل نماز صبح یا نماز مغرب یا نماز مسافر، شک در رکعات پیش آید نماز باطل است.

۲- شک بین رکعت یک و بیشتر از یک، نماز را باطل می‌کند (مثلاً نمازگزار شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر).

۳- اگر نمازگزار در حین نماز نداند چند رکعت خوانده، نماز باطل است.

۴- شک بین دو و بیشتر از دو، قبل از کامل شدن ذکر سجده دوم نماز را باطل می‌کند.

## \* شکهایی که نباید به آنها اعتناء کرد:

- ۱- در نمازهای مستحبی.
- ۲- در نماز جماعت (که توضیح این دو خواهد آمد).
- ۳- پس از سلام نماز (اگر بعد از تمام شدن نماز، شک در تعداد رکعت یا اجزاء نماز پیش آید، لازم نیست نماز اعاده شود).
- ۴- بعد از گذشت وقت نماز (اگر نمازگزار پس از گذشت وقت نماز، شک کند که نماز را خوانده است یا نه، خواندن دوباره آن نماز لازم نیست).
- ۵- شک انسان کثیرالشک یعنی کسی که زیاد شک می‌کند.

## شک در رکعات نماز چهار رکعتی

شک	در حال قیام	در رکوع	بعد از رکوع	در سجده قبل از پایان ذکر	بعد از پایان ذکر سجده و در حالت نشسته	وظیفه نمازگزار در مواردی که نماز صحیح می‌باشد.
شک بین ۲ و ۳	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بنا بر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می‌خواند و پس از سلام، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، (بنابر احتیاط واجب) می‌خواند.
شک بین ۲ و ۴	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بنا بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند، و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند.
شک بین ۳ و ۴	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	بنا بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند، و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند.

## یادآوری:

- ۱- هر آنچه از واجبات در نماز خوانده یا بجا آورده می‌شود، جزئی از نماز است.
- ۲- اگر نمازگزار شک کند که جزء واجبی از نماز را خوانده است یا نه، مثلاً شک دارد سجده دوم را بجا آورده است یا نه، چنانچه وارد جزء واجب بعدی نشده باشد، باید آن جزء را بجا آورد، ولی اگر وارد جزء واجب بعدی شده است به شک خود اعتناء نکند. اگر مثلاً در حالی که نشسته است و تشهد را شروع نکرده، شک کند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده، باید یک سجده دیگر بجا آورد، اما اگر در بین تشهد، یا پس از ایستادن شک کند، لازم نیست سجده‌ای بجا آورد، نماز صحیح است و باید ادامه دهد.
- ۳- چنانچه نمازگزار پس از بجا آوردن جزئی از اجزاء واجب نماز، مثلاً خواندن حمد و یا یک کلمه از آن شک

کند که صحیح بجا آورده است یا نه، به شک خود توجه نکند و در این صورت لازم نیست آن جزء را دوباره بجا آورد، نماز را ادامه دهد و صحیح است.

۴- شک در رکعت، یعنی نمازگزار در بین نماز در تعداد رکعت‌های خوانده شده شک کند، مثلاً، هنگام خواندن تسبیحات نداند که اکنون رکعت چهارم را می‌خواند یا سوم را.

۵- اگر نمازگزار در تعداد رکعت‌های نماز مستحبی شک کند، بنا بر دو می‌گذارد. چون تمام نمازهای مستحبی - بجز نماز وُثْر - دو رکعتی است پس اگر شک بین یک و دو یا دو و بیشتر از آن پیش آید، می‌تواند بنا بر دو بگذارد و نماز صحیح است.

۶- اگر در نماز جماعت، امام جماعت شک در رکعت کند، ولی مأموم شک نداشته باشد، و مثلاً با گفتن «اللَّهُ اکبر» امام را مطلع کند، امام جماعت نباید به شک خود اعتناء کند. هم چنین اگر مأموم شک در رکعت کند، ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همان گونه که امام جماعت نماز را انجام می‌دهد او هم عمل کند و صحیح است.

۷- اگر یکی از شکهایی که نماز را باطل می‌کند پیش آید، بهتر آن است که نمازگزار نماز را به هم نزند، بلکه به قدری فکر کند که صورت نماز به هم بخورد، یا از پیدا شدن یقین یا گمان ناامید شود.

### نماز احتیاط

۱- در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود، مثل شک بین ۳ و ۴، نمازگزار باید بعد از سلام نماز، بدون آن که صورت نماز را بهم بزند، و یا مبطلی از مبطلات نماز را انجام دهد برخیزد و بدون اذان و اقامه، تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.

۲- اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد، پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد، و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیر الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم تشهد بخواند و سلام دهد.

### فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

\* نیت آن را نباید به زبان آورد.

\* سوره و قنوت ندارد (هر چند دو رکعتی باشد).

\* حمد را باید آهسته خواند.

### سجده سهو

۱- در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود، مانند شک بین ۴ و ۵ نمازگزار در حالت نشسته، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بنا بر احتیاط واجب بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر گفته شده را تکرار کند، سپس بنشیند و تشهد و سلام را بجا آورد.

۲- سجده سهو تکبیر الاحرام ندارد.

۳- در پنج مورد بنا بر احتیاط واجب باید سجده سهو به جا آورد:

الف - فراموش کردن یک سجده و یا ایستادن سهوی در حالی که باید نشست، و یا نشستن سهوی در حالی که باید ایستاد.



- ب - حرف زدن سهوی در بین نماز ج - سلام دادن بیجا.  
 د - فراموش کردن تشهد. ه - شک بین ۴ و ۵ پس از اتمام ذکر سجده دوم در نماز ۴ رکعتی.

### خلاصه درس ۲۱

- ۱- اگر نمازگزار قبل از وارد شدن در جزء بعدی نسبت به انجام آن جزء شک کند، باید آن را بجا آورد.
- ۲- اگر بعد از گذشتن محل، در جزئی از اجزای نماز شک کند، اعتنا نمی‌شود.
- ۳- اگر نسبت به صحیح بودن جزئی از نماز شک کند، اعتنا نمی‌شود.
- ۴- اگر در تعداد رکعات نماز دو رکعتی یا سه رکعتی شک کند، نماز باطل است.
- ۵- در موارد زیر به شک اعتنا نمی‌شود:
  - \* در نماز مستحبی
  - \* در نماز جماعت
  - \* بعد از سلام نماز
  - \* بعد از وقت نماز
  - \* شک انسان کثیرالشک
- ۶- در مواردی که شک در رکعات، نماز را باطل نمی‌کند، اگر طرف بیشتر شک از چهار نگذشته باشد بنا را بر بیشتر می‌گذارد.
- ۷- نماز احتیاط برای رفع کمبود احتمالی نماز است، پس در شک بین ۳ و ۴ باید یک رکعت نماز احتیاط خوانده شود، و در شک بین ۲ و ۴ هم باید دو رکعت نماز احتیاط بجا آورد.
- ۸- نماز احتیاط با دیگر نمازها دارای تفاوت‌های زیر است:
  - \* نیت نباید به زبان آورده شود؛
  - \* سوره و قنوت ندارد،
  - \* حمد باید آهسته خوانده شود.
- ۹- سجده سهو باید بلافاصله بعد از انجام نماز بجا آورده شود. دو سجده با هم است و تکبیرة الاحرام ندارد.

### پرسش:

- ۱- اگر نمازگزار در هنگام خواندن تسبیحات اربعه شک کند تشهد را خوانده است یا نه تکلیف چیست؟
- ۲- برای شک در اجزای نماز چهار مثال بزنید.
- ۳- اگر نمازگزار در تعداد رکعات نماز صبح یا مغرب شک کند تکلیف چیست؟
- ۴- اگر نمازگزار در رکوع نماز چهار رکعتی شک کند که رکعت سوم است یا چهارم تکلیف چیست؟
- ۵- اگر شخصی پس از گفتن تکبیرة الاحرام شک کند که آن را صحیح گفته است یا نه تکلیف چیست؟
- ۶- اگر در حال قیام شک بین ۴ و ۵ پیش آید تکلیف چیست؟
- ۷- آیا تاکنون در نماز شک کرده‌اید؟ اگر پاسخ مثبت است توضیح دهید چگونه عمل کرده‌اید.
- ۸- کیفیت انجام سجده سهو را توضیح دهید.

## درس ۲۲

## نماز مسافر

مسلمان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی به صورت قصر یا شکسته) بجا آورد، به شرط آن که مسافرتش از هشت فرسخ که حدود ۴۵ کیلومتر است کمتر نباشد.

## چند مسأله:

- ۱- اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است - مثل وطن - حداقل چهار فرسخ برود، و حداقل چهار فرسخ هم برگردد نمازش در این سفر شکسته است.
- ۲- کسی که به قصد مسافرت به جایی که هشت فرسخ تا وطنش فاصله دارد، بیرون رود زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حداقل به مقداری دور شود که دیوارهای آنجا را نبیند و اذان آنجا را هم نشنود؛ ولی چنانچه قبل از آن که به این مقدار دور شود بخواند نماز بخواند باید تمام بخواند. (اگر دیواری وجود ندارد، انتهای خانه‌ها می‌تواند ملاک قرار گیرد).
- ۳- اگر مسافر قصد سفر از محلی را داشته باشد که خانه و دیوار نداشته باشد، زمانی که به جایی برسد، که اگر دیوار می‌داشت، از آنجا دیده نمی‌شد، باید نمازش را شکسته (قصر) بخواند.
- ۴- اگر مسافر مسلمان به جایی می‌رود که دو راه دارد (یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد) اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند، و اگر از راهی برود که هشت فرسخ نیست باید نماز را تمام بخواند.
- ۵- کسی که از محلی که ده روز در آنجا مقیم بوده، و یا ۳۰ روز را به صورت مردّد در آنجا مانده است، مسافرت کند (اگر چه در آن دو محلّ نمازش تمام باشد)، به مجرد شروع سفر از این دو مکان، باید نماز را شکسته بخواند و رسیدن به حد ترخص هم لازم نیست.
- ۶- مسافری که قصد کرده مدّت ده روز در محلی بماند، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی، یا بعد از ده روز اقامت (حتّی اگر یک نماز تمام هم نخوانده باشد) بخواند به جایی که کمتر از چهار فرسخ با آن مکان فاصله دارد، برود و برگردد، و دوباره در جای اول خود ده روز یا کمتر بماند، از وقتی که می‌رود تا وقتی که برمی‌گردد و بعد از برگشتن باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر برگشتن به محلّ اقامتش فقط به خاطر این باشد که در راه سفرش واقع شده، و سفر او به اندازه مسافت شرعی باشد، لازم است موقع برگشتن نماز را شکسته بخواند.

## نماز مسافر در موارد زیر تمام است:

- ۱- قبل از آن که هشت فرسخ برود، از وطن خود بگذرد و یا در جایی ده روز بماند.
- ۲- از اول قصد نداشته باشد به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد هم این مسافت را پیموده باشد (مثل کسی که به دنبال گمشده‌ای می‌گردد).
- ۳- در بین راه از قصد سفر برگردد، یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ از رفتن منصرف شود.
- ۴- کسی که شغلش مسافرت را ایجاب کند - اعم از این که شغلش مسافرت باشد (مثل راننده قطار،

خودروهای برون شهری، خلبان، ملوان و امثال ذالک)، یا شغلش در مسافرت باشد (مثل افراد دوره‌گرد) و یا شغلش در مسافرت نباشد، ولی محل کارش در جایی قرار داشته باشد، که بیشتر روزها به آنجا رفت و آمد نماید.

۵- کسی که به سفر حرام برود، مانند سفری که موجب اذیت پدر و مادر باشد.

### نماز مسافر در مکانهای زیر تمام است:

- ۱- در وطن.
- ۲- در جایی که می‌داند و یا بنا دارد ده روز بماند.
- ۳- در جایی که سی روز با تردید مانده است، یعنی معلوم نبوده است که می‌ماند یا می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده، و جایی هم نرفته است. در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

### وطن کجاست؟

- ۱- وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده باشد.
- ۲- جایی که انسان محلّ زندگی خود - هر چند موقّتی - قرار داده، و در آنجا همانند کسی زندگی می‌کند که وطن اوست، و اگر به سفر برود مجدداً به همانجا برمی‌گردد، در حکم وطن او است.
- ۳- اگر قصد این باشد که انسان در محلّی که وطن اصلی او نیست، مدتی بماند، و بعد به جای دیگری برود، آنجا وطن او به حساب نمی‌آید.
- ۴- اگر انسان به جایی برود که قبلاً وطن او بوده، ولی هم اکنون از آنجا صرف نظر کرده است، نباید نماز را تمام بخواند، هر چند وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.
- ۶- مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

### قصد ده روز:

- ۱- مسافری که قصد کرده ده روز در محلّی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است باید نمازش را تمام بخواند، و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.
  - ۲- چنانچه مسافری از قصد ده روز برگردد:
- الف: اگر قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: باید نماز را شکسته بخواند؛
- ب: ولی اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد، تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

### مسافری که نمازش را تمام خوانده است:

- الف: اگر نمی‌دانسته است که مسافر باید نماز را شکسته بخواند، نمازی که خوانده، صحیح است.
- ب: ولی اگر حکم سفر را می‌دانسته، و تنها بعضی از جزئیات را نمی‌دانسته است و یا نمی‌دانسته که مسافر است، نمازی که خوانده باطل است، ولی اگر در خارج از وقت بفهمد، قضا ندارد.

غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده است:

کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته بجا آورد، در هر صورت نمازش باطل است. مگر مسافری که قصد ماندن ده روز در جایی را داشته باشد، و به جهت ندانستن حکم، نماز را شکسته خوانده باشد.

### خلاصه درس ۲۲

۱- انسان باید در سفر نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخواند، به شرط آن که سفرش از هشت فرسخ کمتر نباشد.

۲- مسافر زمانی باید نماز را شکسته بخواند که به قدری از وطن خود دور شده باشد که دیوارهای آنجا را نبیند، و اذان آنجا را نشنود.

۳- اگر مسافر قصد سفر از محلی را داشته باشد که خانه و دیوار نداشته باشد، باید فرض کند که اگر خانه یا دیوار می‌داشت، از چه فاصله‌ای غیر قابل رؤیت می‌بود.

۴- در موارد زیر نماز مسافر تمام است:

\* در سفری که قبل از هشت فرسخ به وطن خود برگشته باشد؛

\* در سفری که قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته باشد؛

\* کسی که شغل او مسافرت است، و یا در سفری است که شغل اوست.

\* کسی که به سفر حرام می‌رود.

۵- در وطن و یا در جایی که انسان بنا دارد ده روز بماند، نماز تمام است.

۶- وطن جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده باشد.

۷- مسافر در برگشت به وطن وقتی به جایی برسد که دیوار شهر را ببیند و اذان آنجا را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

### پرسش:

۱- مجموعه رکعاتی که در سفر از رکعات نمازهای یومیّه کم می‌شود چند رکعت است؟

۲- شخصی از وطن خود به روستایی در شرق که فاصله آن ۳۲ کیلومتر است، می‌رود و سپس برمی‌گردد و به روستایی در غرب که فاصله آن با روستای اول ۵۰ کیلومتر است، می‌رود و مجدداً به وطن برمی‌گردد. معین فرمایید نماز او در دو روستا و در بین راه تمام است یا شکسته؟

۳- کارمندی که برای کارشان چندین سال در یک محل می‌مانند: آیا آنجا وطن آنها به حساب می‌آید؟

۴- ملاک وطن بودن یک مکان را بیان کنید.

۵- کشاورزی که هر روز، از روستا به مزرعه خود، که در فاصله سه فرسخی است می‌رود و برمی‌گردد، نمازش

چه حکمی دارد؟

۶- شخصی که برای کار از روستایی به شهر آمده است، هنگامی که به روستا می‌رود، باید نمازش را تمام

بخواند یا شکسته؟

۷- مسافری به سبب فراموشی، نمازش را تمام خوانده است، آیا نماز وی صحیح است یا نه؟

## درس ۲۳

## نماز قضا

نماز قضا، نمازی را گویند که بعد از وقت خوانده می‌شود.

مسلمان باید نمازهای واجب را در وقت خود بخواند، و چنانچه بدون عذر نمازی از او قضا شود، گناهکار است و باید توبه کند و قضای آن را هم بجا آورد.

۱- در دو مورد بجا آوردن قضای نماز، واجب است:

الف: نماز واجب در وقت آن، خوانده نشده باشد.

ب: نمازگزار بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده است، باطل بوده است.

۲- کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد.

## ۳- حالت‌های مختلف نمازگزار نسبت به نماز قضا:

\* اگر شک داشته باشد که نماز قضا دارد یا نه: چیزی بر او واجب نیست.

\* اگر احتمال می‌دهد نماز قضایی دارد: مستحب است احتیاطاً قضای آن را به جا آورد.

\* اگر می‌داند نماز قضا دارد، ولی شماره آنها را نمی‌داند (مثلاً نمی‌داند چهار مورد بوده یا پنج مورد): چنانچه کمتر را بخواند کافی است.

\* اگر شماره آنها را می‌دانسته ولی فراموش کرده است: در صورتی که مقدار کمتر را بخواند کفایت می‌کند.

\* اگر شماره آنها را می‌داند: باید قضای آنها را بجا آورد.

۴- قضای نمازهای یومیّه لازم نیست به ترتیب خوانده شود، مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، لازم نیست اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند. ولی در قضای نماز ظهر و عصر و یا مغرب و عشاء از یک روز باید ترتیب را رعایت کند.

۵- نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد چه قضا؛ و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخواند، مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد. ولی اگر نماز امام نماز قضاست باید نماز قضای او قطعی باشد نه احتمالی.

۶- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشاء، از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگر چه بخواهد قضای آن را در غیر سفر بجا آورد.

۷- در سفر نمی‌توان روزه گرفت، حتی روزه قضا، ولی نماز قضا را می‌توان بجا آورد.

۸- اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده است بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی قضا کند.

۹- نماز قضا را در هر وقتی می‌توان بجا آورد، مثلاً قضای نماز صبح را می‌توان ظهر یا شب خواند.

### نماز قضای پدر

- ۱- تا انسان مسلمان زنده است، اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، شخص دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا کند.
- ۲- پس از مرگ پدر، قضای نماز و روزه‌هایی را که بجا نیاورده باشد، بر پسر بزرگتر او واجب است. بنابر احتیاط مستحب قضای نماز و روزه‌هایی را که از مادرش نیز قضاء شده است، بر عهده او است.
- ۳- حالتهای مختلف پسر بزرگتر نسبت به نماز قضای پدر:
  - الف: اگر می‌داند، پدر نماز قضا داشته است و:
    - \* تعداد آنها را هم می‌داند: باید آنها را قضا کند.
    - \* تعداد آنها را نمی‌داند: در صورتی که مقدار کمتر را بجا آورد کافی است.
    - \* اگر شک دارد که پدر، خودش بجا آورده است یا نه: بنابر احتیاط واجب باید قضا کند.
  - ب: در صورتی که شک دارد پدر، نماز قضا داشته است یا نه، چیزی بر او واجب نیست.
- ۴- اگر پسر بخواهد نماز مادر را نیز بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند، مثلاً نماز قضای صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند.
- ۵- اگر پسر بزرگتر، پیش از آن که نماز و روزه پدر را قضا کند، از دنیا برود، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.

### خلاصه درس ۲۳

- ۱- قضای نمازهایی که خوانده نشده و نمازهایی که باطل بوده، واجب است.
- ۲- اگر فرد نمی‌داند نماز قضا دارد یا نه، چیزی بر او واجب نیست.
- ۳- اگر فرد می‌داند نماز قضا دارد ولی مقدار آن را نمی‌داند، در صورتی که مقداری که می‌داند کمتر از آن نبوده بجا آورد، کافی است.
- ۴- نماز قضا را می‌توان با جماعت بجا آورد.
- ۵- نماز قضا را در هر وقت، چه شب و چه روز و چه در سفر و چه در غیر سفر، می‌توان بجا آورد.
- ۶- پس از مرگ پدر نماز و روزه‌های قضا شده او بر پسر بزرگتر واجب است.
- ۷- اگر پسر نمی‌داند، پدرش نماز قضا داشته است یا نه، چیزی بر او واجب نیست.
- ۸- اگر پدر، پسری ندارد، و یا پسر بزرگتر، قبل از آن که نمازها و روزه‌های قضای پدر را بجا آورد از دنیا برود، قضای نماز و روزه‌های پدر بر دیگری واجب نیست.

### پرسش:

- ۱- فرق نماز ادا و قضا چیست؟
- ۲- کسی که می‌داند مدتی نمازش قضا شده است، ولی تعداد آن را نمی‌داند تکلیفش چیست؟
- ۳- اگر فرد بخواهد بعد از خواندن نماز ظهر و عصر، قضای نماز صبح را بجا آورد، آیا باید قرائت آن را بلند بخواند یا آهسته؟
- ۴- پسری نمی‌داند پدرش نماز قضا دارد یا نه، و پدر هم چیزی به او نگفته است، تکلیفش چیست؟

## درس ۲۴

## نماز جماعت

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صَلَاةُ الْجُمُعَةِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الْفَرْدِ بِخَمْسٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً»<sup>۱</sup>  
 «پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: فضیلت نماز جماعت نسبت به نماز فردای بیست و پنج مرتبه بیشتر است.»

- ۱ - شرکت در نماز جماعت برای همه مستحب است، به ویژه برای همسایه مسجد.
- ۲ - مستحب است انسان صبر کند تا نماز را به جماعت بخواند.
- ۳ - نماز جماعت، هر چند اول وقت خوانده نشود، از نماز فردای اول وقت بهتر است. ولی نماز فردای در وقت فضیلت، افضل از جماعت در غیر وقت فضیلت است.
- ۴ - نماز جماعتی که مختصر خوانده می شود، از نماز فردایی که آن را طول بدهند، بهتر است.
- ۵ - سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.
- ۶ - حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنائی جایز نیست.

## شرایط نماز جماعت:

هنگام برپایی نماز جماعت، شرایط زیر، باید مراعات شود:

- ۱ - مأموم از امام جلوتر نایستد.
- ۲ - جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بیش از یک وجب متعارف بلندتر نباشد.
- ۳ - فاصله امام و مأموم، و فاصله صفها زیاد نباشد. (بیش از یک قدم جایز نیست، یعنی فاصله بین محل سجده مأموم تا محل ایستادن امام یا مأمومی که جلوتر است و مأموم به واسطه او به امام متصل است، کمتر از یک متر باشد).
- ۴ - بین امام و مأموم، و هم چنین بین صفها چیزی مانند دیوار، یا پرده مانع نباشد. ولی نصب پرده بین صف مردها و زنها اشکال ندارد.

## شرایط امام جماعت:

- ۱ - عقل.
- ۲ - بلوغ.
- ۳ - ایمان (شیعه اثنی عشری بودن).
- ۴ - طهارت مولد (حلال زادگی).

۱. بحارالانوار - ج ۸۵ - ص ۱۱ به نقل از خصال.

- ۵- مرد بودن، (در صورتی که مأمومین مرد باشند) احوط آن است که امام در همه جا مرد باشد.
- ۶- عدالت، یعنی ملکه بودن آن. (حُسن ظاهری که موجب اطمینان و وثوق به وجود عدالت گردد، کفایت می‌نماید).
- ۷- صحّت قرائت، و بلکه احوط صحّت تمام اذکار نماز است.

### پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن):

در هر رکعت، تنها در بین قرائت و نیز قنوت و در رکوع می‌توان به «امام» اقتدا کرد. پس اگر مأموم به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند. (در صورتی که مأموم تنها به رکوع امام جماعت برسد، یک رکعت به حساب می‌آید).

### حالت‌های مختلف برای پیوستن به نماز جماعت.

#### رکعت اوّل:

- ۱- در بین قرائت:  
مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند، و تنها بقیّه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.
- ۲- در رکوع:  
رکوع و بقیّه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.

#### رکعت دوّم:

- ۱- در بین قرائت:  
مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را بجا می‌آورد، و آنگاه که امام جماعت تشهد می‌خواند، بنابر احتیاط واجب باید به صورت نیم خیز، بنشیند. اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند، و نماز را تمام کند، و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوّم که امام جماعت در رکعت سوم می‌باشد، حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند)، و آنگاه که امام جماعت رکعت سوّم را تمام می‌کند، و برای رکعت چهارم برمی‌خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند، و برخیزد و ذکر تسبیحات رکعت سوّم را بجا آورد، و پس از تشهد و سلام امام، رکعت چهارم را بخواند.
- ۲- در رکوع:  
رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد، و بقیّه نماز را همان گونه که گفته شد، انجام می‌دهد.

#### رکعت سوم:

- ۱- در بین قرائت:  
چنانچه مأموم می‌داند که اگر اقتدا کند برای خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند، که در این صورت باید حمد و سوره یا حمد را بخواند، و اگر می‌داند فرصت ندارد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.



## ۲- در رکوع

چنانچه مأوم در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام بجا می‌آورد، و در این صورت حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است و بقیه نماز را همان گونه که قبلاً بیان شد بجا می‌آورد.

## رکعت چهارم

## ۱- در بین قرائت:

حکم اقتدا در رکعت سوم را دارد، و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، بهتر است مأوم، به طور نیم خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود، سپس برخیزد. اگر مأوم در همان جا بخواهد قصد انفراد نماید مانعی ندارد، ولی در صورتی که از اول قصد انفراد داشته، محل اشکال است.

## ۲- در رکوع:

رکوع و سجده‌ها را با امام بجا می‌آورد، (در حالی که رکعت چهارم امام و رکعت اول مأوم است) و بقیه نماز را همان گونه که گذشت انجام می‌دهد.

## خلاصه درس ۲۴

- ۱- خواندن نماز جماعت در تمام نمازهای واجب، بخصوص نمازهای یومیّه مستحبّ است.
- ۲- نماز جماعت از نماز فرادایی که اول وقت خوانده شود، برتر است.
- ۳- نماز جماعت از نماز فرادایی که طول داده شود، بهتر است.
- ۴- حاضر نشدن به جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست.
- ۵- سزاوار نیست، بدون عذر نماز جماعت ترک شود.
- ۶- امام جماعت باید عاقل، بالغ و عادل باشد، و نماز را به طور صحیح بخواند.
- ۷- مأوم نباید جلوتر از امام بایستد، و امام هم نباید بالاتر از مأوم بایستد، مگر به قدر یک وجب متعارف.
- ۸- فاصله امام و مأومین و فاصله صف‌ها نباید زیاد باشد. (کمتر از یک متر باشد).
- ۹- در هر رکعت، تنها در بین قرائت و نیز قنوت و در رکوع می‌توان به امام جماعت اقتدا کرد، بنابراین اگر نمازگزار به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند.

## پرسش:

- ۱- این جمله را توضیح دهید:  
«شُرکت نکردن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست».
- ۲- کدامیک از واجبات نماز را مأوم نباید بخواند؟
- ۳- اگر در رکوع رکعت دوم نماز مغرب به امام جماعت اقتدا کردید، توضیح دهید بقیه نماز را چگونه باید بجا آورید؟
- ۴- عدالت را توضیح دهید.

## درس ۲۵

## احکام نماز جماعت

- ۱- اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیّه را می‌خواند، هر کدام از نمازهای یومیّه را می‌توان به او اقتداء کرد. بنابراین اگر امام، نماز عصر را می‌خواند، مأوم می‌تواند، نماز ظهر را به او اقتداء کند؛ و یا اگر مأوم پس از آن که نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود، می‌تواند نماز عصر را به نماز ظهر امام اقتداء کند.
- ۲- مأوم می‌تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام اقتداء کند؛ هر چند قضای دیگر نمازهای یومیّه باشد؛ مثلاً امام جماعت نماز ظهر را می‌خواند و او قضای نماز صبح را.
- ۳- نماز جماعت، حدّ اقل با دو نفر برپا می‌شود، یک نفر امام و یک نفر هم مأوم؛ مگر در نمازهای جمعه و عید فطر و قربان.
- ۴- نمازهای مستحبّی را نمی‌توان به جماعت خواند؛ مگر نماز طلب باران، و یا نمازی که واجب بوده و به جهتی مستحبّ شده است، مانند نماز عید فطر و قربان که در زمان امام علیه‌السلام واجب بوده، و به واسطه غایب شدن ایشان مستحبّ می‌باشد.

## وظیفه مأوم در نماز جماعت:

- ۱- مأوم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید؛ بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید.
- ۲- مأوم باید غیر از حمد و سوره همه اذکار، تشهد و سلام نماز را خودش بخواند؛ ولی اگر رکعت اول یا دوم او مصادف با رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را به صورت آهسته بخواند.

## چگونگی پیروی مأوم، از امام جماعت:

- الف: در خواندن‌ها؛ مانند حمد، سوره، ذکر و تشهد. در این موارد جلو افتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد، مگر در تکبیره الاحرام. (در سلام نماز، اگر مأوم سهواً پیش از امام سلام دهد نماز صحیح است، و لازم نیست دو باره سلام دهد).
- ب: در اعمال؛ مانند رکوع، سر برداشتن از رکوع و سجده. در این موارد پیش افتادن از امام جایز نیست؛ یعنی مأوم نباید قبل از امام به رکوع برود، و یا از رکوع برخیزد، یا به سجده برود؛ ولی عقب افتادن (اگر سهواً بوده و زیاد نباشد) اشکال ندارد؛ ولی اگر عمداً یک رکن عقب بیفتد، نمازش فرادی می‌شود.

## مسأله:

- اگر مأوم بعد از نماز بفهمد امام عادل نبوده، یا کافر بوده، و یا به جهتی نمازش باطل بوده است، در صورتی که کاری که به طور سهوی نیز باعث بطلان نماز فرادی می‌شود، انجام نداده باشد، نمازش صحیح است.

### برخی از مستحبات و مکروهات نماز جماعت:

- ۱- مستحب است امام در وسط صف بایستد، و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند.
- ۲- مستحب است صف‌های جماعت منظم باشد، و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، فاصله نباشد.
- ۳- اگر در صف‌های جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد.
- ۴- مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.

### خلاصه درس ۲۵

- ۱- نماز مستحبی را نمی‌توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران، و یا نماز عید فطر و قربان (که واجب بوده ولی در زمان غیبت امام علیه‌السلام مستحب شده است).
- ۲- هر کدام از نمازهای یومیّه را می‌توان به دیگری اقتدا کرد.
- ۳- نماز قضا را هم می‌توان به جماعت خواند.
- ۴- حداقل افراد تشکیل دهنده نماز جماعت دو نفر است، مگر در نماز جمعه و عید فطر و قربان.
- ۵- چگونگی پیروی از امام جماعت:

\* در اقوال (خواندنیها)  
تکبیره الاحرام: نباید پیش از امام یا همراه او گفته شود.  
غیر تکبیره الاحرام: جلو افتادن یا عقب افتادن از امام مانع ندارد.

\* در افعال  
پیش افتادن: جایز نیست.  
عقب افتادن: اگر سهواً بوده و زیاد نباشد، اشکال ندارد.

### پرسش:

- ۱- مسافری که نماز او شکسته است، آیا می‌تواند نماز عصر خود را به دو رکعت باقیمانده نماز ظهر امام جماعت اقتدا کند؟
- ۲- آیا مأموم می‌تواند قبل از امام جماعت به رکوع و سجده برود؟
- ۳- کدام نماز مستحبی است که می‌توان به جماعت خواند؟

## درس ۲۶

## نماز عید - نماز آیات - نمازهای مستحبی

## نماز عید

خواندن نماز مخصوص در دو عید «فطر» و «قربان» در زمان حضور امام علیه السلام واجب است، و باید به جماعت خوانده شود. ولی در زمان ما که امام علیه السلام غایب هستند، مستحب است، و می شود آن دو را به جماعت و یا فردای خواند.

## وقت نماز عید

- ۱- وقت نماز عید، از اول آفتاب تا ظهر است.
- ۲- مستحب است نماز عید قربان بعد از بلند شدن آفتاب، خوانده شود.
- ۳- مستحب است، در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب، افطار شود، زکات فطر داده شود، و سپس نماز عید خوانده شود.

## چگونگی نماز عید

- نماز عید فطر و قربان دو رکعت است، با نُه قنوت و اینگونه خوانده می شود:
- \* در رکعت اول نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود، و بعد از هر تکبیر یک قنوت، و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.
  - \* در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود، و بعد از هر تکبیر یک قنوت، و بعد از قنوت چهارم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام.
  - \* در قنوت نماز عید هر دعا و ذکر که خوانده شود، کافی است، ولی بهتر است به امید ثواب، این دعا خوانده شود.

«اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَمِلْحَمَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَكَرَامَةً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَىكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ بِمَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ».

- \* نماز عید سوره مخصوصی ندارد، ولی بهتر است که در رکعت اول پس از حمد، سوره «شمس»، و در رکعت دوم پس از حمد، سوره «غاشیه» خوانده شود. (یا در رکعت اول پس از حمد، سوره «اعلی» و در رکعت دوم پس از حمد سوره «شمس» خوانده شود).

## نماز آیات

یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب برخی حوادث آسمانی یا زمینی، واجب می‌شود مانند:

\* زلزله حتی اگر کسی هم نترسد.

\* خسوف (ماه گرفتگی).

حتی اگر قسمت کمی از آنها گرفته شود، و کسی هم نترسد.

\* کسوف (خورشید گرفتگی).

\* رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و مانند آن از آیات آسمانی، در صورتی که بیشتر مردم بترسند.

\* بنا بر احتیاط واجب در حوادث زمینی مانند فرورفتن آب دریا، و ریزش کوه، در صورتی که بیشتر مردم

بترسند.

## چگونگی نماز آیات:

۱- نماز آیات دو رکعت است، و در هر رکعت پنج رکوع دارد.

۲- در نماز آیات، قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می‌شود، که در این صورت، در

دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می‌شود، ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده، و قبل از هر رکوع یک

قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.

در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را می‌آوریم.

## رکعت اول:

حمد و «بسم الله الرحمن الرحيم» ← رکوع.

«قل هو الله احد» ← رکوع.

«الله الصمد» ← رکوع.

«لم يلد و لم يولد» ← رکوع.

«ولم يكن له كفواً احد» ← رکوع.

- بجا آوردن دو سجده، و سپس برخاستن برای انجام رکعت دوم.

## رکعت دوم:

رکعت دوم همانند رکعت اول بجا آورده می‌شود، و سپس با تشهد و سلام، نماز به پایان می‌رسد.

## احکام نماز آیات:

۱- اگر یکی از سبب‌های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند، و بر

مردم جاهای دیگر واجب نیست.

۲- اگر در یک رکعت پنج مرتبه حمد و سوره خوانده شود، و در رکعت دیگر، تنها یک حمد خوانده شود، و

سوره به پنج قسمت تقسیم شود، صحیح است.

۳- هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن محسوب می‌شود.

۴- نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.

## نمازهای مستحب

۱- نماز مستحب را «نافله» گویند.

۲- نمازهای مستحب بسیار است، که ذکر تمامی آنها در حوصله این جزوه نیست، اما برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد متذکر می‌شویم:

### نماز شب:

نماز شب ۱۱ رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:

دو رکعت	←	به نیت نافله شب.
دو رکعت	←	به نیت نافله شب.
دو رکعت	←	به نیت نافله شب.
دو رکعت	←	به نیت نافله شب.
دو رکعت	←	به نیت نافله شفع.
یک رکعت	←	به نیت نافله وثر

### وقت نماز شب:

۱- وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح، و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

۲- مسافر و کسی که خواندن نافله شب در وقت فضیلت آن برایش دشوار است، می‌تواند آن را در اول شب بجا آورد ولی قضاء نماز، افضل از جلو انداختن آن است.

### نافله نمازهای یومیّه:

۱۷ رکعت نماز واجب که در شبانه روز خوانده می‌شود، ۲۳ رکعت نافله دارد که خواندن آنها، مستحب است.

از جمله آنها دو رکعت نافله نماز صبح است که قبل از نماز صبح خوانده می‌شود و ثواب بسیاری دارد.

### نماز غُفیله:

یکی دیگر از نمازهای مستحبی، نماز «غُفیله» است که پس از نماز مغرب خوانده می‌شود.

### کیفیت نماز غُفیله:

نماز غفیله دو رکعت است، که در رکعت اول، پس از حمد، باید به جای سوره، آیات زیر خوانده شود:

«وَذَالْتُنِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ».

و در رکعت دوم، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ».

و در قنوت آن این دعا خوانده می شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمِفْتَاحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِمَا قَضَيْتَهَا لِي».

(به جای جمله «ان تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي» می توان حاجت دیگری از خدا خواست.)

### خلاصه درس ۲۶

- ۱- اگر زلزله شود و یا خسوف یا کسوف رخ دهد، نماز آیات واجب می شود.
- ۲- اگر رعد و برق شود و یا بادهای زرد و سرخ بوزد و بیشتر مردم بترسند، نماز آیات واجب می شود.
- ۳- نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت پنج رکوع دارد.
- ۴- در هر رکعت از نماز آیات می توان پنج حمد و پنج سوره کامل خواند، و یا سوره‌ای را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع بخشی از آن را خواند.
- ۵- اگر در شهری یکی از اسباب و علل نماز آیات رخ دهد تنها بر مردم همان شهر نماز آیات واجب می شود.
- ۶- نماز آیات را می توان به جماعت خواند.
- ۷- از جمله نمازهای مستحبی، نماز شب، غُفِيلَه و نافله نمازهای یومیّه است.
- ۸- نماز عید دو رکعت است، و وقت آن از اول آفتاب تا ظهر است.

### پرسش:

- ۱- آیا می توانید توضیح دهید که چرا به نماز زلزله و مانند آن نماز آیات گفته می شود؟
  - ۲- نماز آیات چند رکوع و چند قنوت دارد؟
  - ۳- آیا می توانید یک نماز یک رکعتی را نام ببرید؟
  - ۴- مجموع نافله‌های یومیّه با نماز شب، چند رکعت است؟
  - ۵- نماز عید چند رکعت است، و هر رکعت چند قنوت دارد؟
- تمرین: یکی از دانش‌آموزان در کلاس، نماز آیات را با تقسیم سوره‌ای از قرآن بجا آورد.

## درس ۲۷

## روزه

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴾<sup>۱</sup>

﴿ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب گردید همان طور که بر امت‌های گذشته نیز واجب شده بود، شاید تقویٰ پیشه کنید ﴾

«عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: شَهْرُ رَمَضَانَ، شَهْرٌ فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ، فَنُ صَامَهُ أَحْتِسَاباً وَ اِيْمَاناً خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»<sup>۲</sup>

«پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: ماه رمضان، ماهی است که خدا روزه در آن ماه را واجب گردانیده است. پس هر که در این ماه از روی احتساب و ایمان، روزه بدارد، همانند روزی که از مادر زاده شده، از گناهان پاک می‌گردد.»

## تعریف روزه:

یکی دیگر از واجبات و برنامه‌های سالانه اسلام برای انسان بالغ و عاقل «روزه» است. و روزه آن فریضه‌ای است که انسان از «اذان صبح» تا «مغرب» برای اطاعت فرمان خدا، از برخی از کارها، که شرح آنها خواهد آمد، پرهیز می‌کند. برای آشنایی با احکام روزه ابتدائاً باید اقسام آن را بشناسیم:

- ۱- واجب  
۲- حرام  
۳- مستحب  
۴- مکروه
- اقسام روزه:

## روزه‌های واجب:

این روزه‌ها واجب است:

- \* روزه ماه مبارک رمضان.
- \* روزه قضا
- \* روزه کفاره.
- \* روزه‌ای که به سبب نذر واجب شود.

۲. مستدرک الوسائل - ج ۷ - ص ۴۰۰ - ح ۱۳/۸۵۲۲.

۱. بقره: ۱۸۳.



\* روزه قضای پدر، که بر پسر بزرگتر واجب است.

### برخی از روزه‌های حرام:

- \* روزه عید فطر (روز اول ماه شوال)
- \* روزه عید قربان (روز دهم ماه ذی الحجّه).
- \* روزه مستحبی فرزند که سبب اذیت و آزار پدر و مادر و یا جدّ او شود.
- \* روزه روزی را که انسان نمی‌داند آخر شعبان است یا اول رمضان. (منتهی به شرطی که به نیت روز اول رمضان روزه گرفته باشد).

### روزه‌های مستحب:

- روزه گرفتن در تمام ایام سال - بجز روزه‌های حرام و مکروه - مستحب است. ولی نسبت به بعضی از روزه‌ها تأکید و سفارش بیشتری شده است، که برخی از آنها بدین شرح است:
- \* پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر هر ماه قمری و چهارشنبه اولی که بعد از روز دهم هر ماه است.
  - \* روز مبعث (۲۷ ماه رجب).
  - \* عید غدیر (۱۸ ذی الحجّه).
  - \* روز میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (۱۷ ربیع الاول)
  - \* روز عرفه (نهم ذی الحجّه) (منتهی به شرطی که روزه گرفتن سبب باز ماندن از دعاهای آن روز نشود).
  - \* تمام ماه رجب و شعبان.
  - \* عید نوروز.
  - \* ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه قمری.
  - \* روز مباهله (۲۴ ذی الحجّه).
  - \* روز اول و سوم و هفتم محرم.

### روزه‌های مکروه:

- \* روزه عاشورا.
- \* روزه عرفه اگر سبب باز ماندن از دعاهای آن روز بشود.
- \* روزه روزی که نمی‌داند عرفه است یا عید قربان.

### نیت روزه:

- ۱- روزه از عبادات است و باید برای اطاعت از فرمان خداوند بجا آورده شود.
- ۲- انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن شب، نیت کند، و بهتر است که شب اول ماه هم روزه همه ماه را نیت کند.
- ۳- وقت نیت روزه رمضان از اول شب است تا اذان صبح.
- ۴- اگر فرد مسلمان در روزه واجب، به واسطه عذری، مانند فراموشی، یا سفر نیت روزه نکرده باشد، و کاری

هم که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، تا ظهر می‌تواند نیت روزه کند؛ ولی در روزه ماه رمضان احتیاط واجب آن است که هم نیت کرده و روزه بگیرد، و هم آن روزه را قضا کند.

۵- لازم نیست نیت روزه به زبان گفته شود بلکه، همین قدر که به منظور اطاعت از دستور خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نشود کافی است.

### خلاصه درس ۲۷

- ۱- وقت روزه از «اذان صبح» است تا «مغرب».
- ۲- روزه ماه مبارک رمضان، روزه قضا و کفاره و روزه نذری از روزه‌های واجب است.
- ۳- روزه قضای پدر، پس از مرگ وی بر پسر بزرگتر او واجب است.
- ۴- روزه عید فطر و قربان و روزه مستحبی فرزند که سبب اذیت پدر و مادر و جد او شود، حرام است.
- ۵- روزه گرفتن در تمام ایام سال، بجز روزه‌های حرام و مکروه، مستحب است؛ ولی در بعضی از روزها بیشتر سفارش شده است از جمله:
  - \* پنجشنبه اول و آخر هر ماه.
  - \* روز میلاد و مبعث پیامبر.
  - \* روز نهم و هیجدهم ذی الحجه (روز عرفه و عید غدیر)
- ۶- در ماه رمضان می‌توان هر شب برای روزه فردای آن شب نیت کرد، و بهتر است که شب اول ماه هم روزه همه ماه را نیت کند.

### پرسش:

- ۱- روزه گرفتن در ایام زیر چه حکمی دارد؟
  - \* دهم محرم \* دهم ذی الحجه \* نهم ذی الحجه \* اول فروردین \* اول شوال
- ۲- آیا اگر پدر به فرزندش بگوید فردا روزه نگیر، می‌تواند روزه بگیرد؟
- ۳- اگر شخصی پس از اذان صبح از خواب بیدار شود، آیا می‌تواند نیت روزه کند؟

## درس ۲۸

## مُبطلاتِ روزه

روزه دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها بپرهیزد، و اگر یکی از آنها را انجام دهد، روزه اش باطل می‌شود. به مجموعه این کارها «مُبطلاتِ روزه» گفته می‌شود. بعضی از مبطلات روزه عبارت‌اند از:

- \* خوردن و آشامیدن؛
- \* رساندن غبار غلیظ به حلق؛
- \* فرو بردن تمام سر در آب؛
- \* قی کردن؛
- \* خروج اختیاری منی؛
- \* باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح؛
- \* دروغ بستن به خدا، پیامبر و جانشینان پیامبر علیهم‌السلام.

## احکامِ مُبطلاتِ روزه

## خوردن و آشامیدن

- ۱- اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل می‌شود.
- ۲- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندان‌ش مانده است فرو برد، روزه اش باطل می‌شود.
- ۳- فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند زیاد باشد.
- ۴- اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (ندانند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی‌شود.
- ۵- انسان نمی‌تواند، به خاطر ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.
- ۶- فرو بردن اخلاط سینه چنانچه در دهان (از مخرجِ خاء به جلو) نیامده باشد، مانعی ندارد، و اگر به این حد رسیده، احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.
- ۷- تزریق آمپول، اگر به جای غذا نباشد، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند عضو را بی‌حس کرده باشد، ولی بهتر آن است که از استعمال آمپولی که به جای دوا و غذا بکار می‌برند، خودداری شود.

## رساندن غبار غلیظ به حلق:

- ۱- بنابر احتیاط واجب اگر روزه‌دار غبار غلیظ یا غیر غلیظی به حلق برساند، روزه اش باطل می‌شود؛ حال چه غبارِ خوراکی باشد مانند آرد، و چه غیر خوراکی باشد، مانند خاک.
- ۲- در موارد زیر روزه باطل نمی‌شود:
  - \* غبار به حلق نرسد. (فقط به داخل دهان برسد)؛ یا
  - \* بی‌اختیار به حلق برسد.

\* روزه دار فراموش کرده باشد که روزه است.

### فرو بردن تمام سر در آب:

- ۱- اگر روزه دار تمام سر خود را عمداً در آب مطلق فرو برد، روزه اش باطل می شود.
- ۲- در موارد زیر روزه باطل نیست:
  - \* روزه دار سهواً سر خود را زیر آب فرو برد؛ یا
  - \* قسمتی از سر را زیر آب ببرد؛ یا
  - \* نصف سر را یکبار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فرو برد؛
  - \* بی اختیار در آب بیفتد؛
  - \* شخص دیگری به زور سر او را در آب فرو برد؛
  - \* شک کند، تمام سر زیر آب رفته است یا نه.

### قی کردن:

- ۱- هرگاه روزه دار عمداً قی کند (هرچند به سبب بیماری باشد) روزه اش باطل می شود.
- ۲- اگر روزه دار نداند روزه است، یا بی اختیار قی کند، روزه اش باطل نمی شود.

### خروج اختیاری منی:

- ۱- اگر منی اختیاری از روزه دار خارج شود، روزه اش باطل می شود.
- ۲- اگر منی بی اختیار از او خارج شود (مثلاً در خواب خارج شود)، روزه اش باطل نمی شود.

## خلاصه درس ۲۸

- ۱- خوردن و آشامیدن، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، قی کردن و باقی بودن بر جنابت تا اذان صبح روزه را باطل می کند.
- ۲- فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی کند.
- ۳- اگر کسی به سبب فراموشی، چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نیست.
- ۴- تزیق آمپول، اگر به جای غذا نباشد، روزه را باطل نمی کند.
- ۵- اگر غبار غلیظ نباشد و یا به حلق نرسد، و یا روزه دار شک کند به حلقش رسیده یا نه، روزه اش باطل نیست.
- ۶- اگر کسی سهواً سر در آب فرو برد، یا بی اختیار به آب بیفتد، و یا او را بی اختیار در آب بیندازند، روزه اش باطل نمی شود.
- ۷- اگر روزه دار بی اختیار قی کند و یا نداند روزه است، روزه اش باطل نمی شود.
- ۸- اگر روزه دار در حال خواب جنب شود روزه اش باطل نمی شود.

## پرسش:

- ۱- خلال کردن و مسواک زدن در حال روزه چه حکمی دارد؟
- ۲- آیا جویدن آدامس روزه را باطل می‌کند؟
- ۳- شخصی در حال نوشیدن آب، یادش می‌آید که روزه است، تکلیفش چیست و روزه‌اش چه حکمی دارد؟
- ۴- سیگار کشیدن جزو کدامیک از مبطلات روزه است؟
- ۵- شنا کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟

## درس ۲۹

## ادامهٔ مبطلات روزه

باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح:

اگر شخص جُنُب، تا اذان صبح غسل نکند، و یا اگر وظیفه‌اش تیمّم است، تیمّم نکند، در برخی از موارد روزه‌اش باطل می‌شود؛ که اینک به برخی از آن مسایل اشاره می‌شود:

۱- اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند، و یا اگر وظیفه‌اش تیمّم است تیمّم نکند:

* در روزهٔ رمضان	روزه‌اش باطل است
* در قضای روزهٔ رمضان	روزه‌اش صحیح است.
* در بقیهٔ روزه‌ها ←	

۲- اگر غسل یا تیمّم را فراموش کند، و پس از یک یا چند روز یادش بیاید:

\* در روزهٔ ماه رمضان ← باید آن روزه‌ها را قضا کند.

\* در روزهٔ قضای ماه رمضان ← روزه‌اش باطل است

\* در روزه‌های غیر ماه رمضان و قضای آن؛ مانند روزهٔ نذری یا کفاره ← روزه‌اش صحیح است.

۳- اگر روزه‌دار، در خواب جُنُب شود، و بعد از اذان صبح بیدار شود واجب نیست فوراً غسل کند، و روزه‌اش

صحیح است. اما باید تا قبل از اذان مغرب غسل کند.

۴- اگر شخص جُنُب در شب ماه رمضان بداند، قبل از اذان صبح برای غسل بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و اگر

بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است، و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

کارهایی که بر روزه‌دار مکروه است:

۱- انجام هر کاری که سبب ضعف بشود؛ مانند خون دادن و حمام رفتن

۲- بوییدن گیاهان معطر (عطر زدن مکروه نیست).

۳- خیس کردن لباسی که بر تن دارد.

## قضا و کفارهٔ روزه

## \* روزهٔ قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری را، به جای آن روزه بگیرد. پس روزه‌ای که بعد از وقت آن،

بجا آورده شود، «روزهٔ قضا» نامیده می‌شود.

## \* کفارهٔ روزه

کفارهٔ همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن عمدی روزه، معین شده است و عبارت است از:

\* آزاد کردن یک برده

\* دو ماه روزه گرفتن، که سی و یک روز اول آن باید پی در پی باشد.

\* اطعام شصت فقیر (یا دادن یک مُد<sup>۱</sup> طعام به هر یک از آنها).

کسی که کفّاره بر او واجب می‌شود، باید یکی از سه مورد مذکور را انجام دهد، ولی چون امروزه «برده» به معنای فقهی آن یافت نمی‌شود، لذا مورد دوم یا سوم را باید انجام دهد. و اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، بنابر احتیاط باید هر مقدار که می‌تواند، فقرا را اطعام کند، و اگر اصلاً از عهده اطعام فقرا برنمی‌آید، باید استغفار کند.

**در موارد زیر بجا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفّاره ندارد:**

- ۱- در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت، یک یا چند روز، روزه بگیرد.
  - ۲- در ماه رمضان بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه و با حال شک کاری کند که روزه‌اش را باطل کند؛ مثلاً آب بخورد، و بعداً معلوم شود صبح بوده است.
  - ۳- کسی بگوید صبح نشده و روزه‌دار به گفته او، کاری کند که روزه‌اش را باطل کند، و بعداً معلوم شود صبح بوده است.
- \* اگر عمداً روزه رمضان را نگیرد، و یا عمداً آن را باطل کند، قضا و کفّاره بر او واجب می‌شود.

### خلاصه درس ۲۹

- ۱- اگر شخص جُنُب در روزه ماه رمضان و قضای آن، عمداً تا اذان صبح غسل نکند، و یا اگر وظیفه‌اش تیمّم است، تیمّم نکند روزه‌اش باطل است.
- ۲- اگر در روزه رمضان، غسل یا تیمّم را فراموش کند، و پس از یک یا چند روز یادش بیاید، باید آن روزه‌ها را قضا کند.
- ۳- اگر روزه‌دار در بین روز، در خواب جُنُب شود، واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است. ولی باید تا قبل از اذان مغرب غسل کند.
- ۴- اگر شخص جُنُب در شب ماه رمضان بداند که اگر بخوابد، قبل از اذان برای غسل بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد، و اگر بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است.
- ۵- بو کردن گیاهان معطر و خیس کردن لباس تن در حال روزه مکروه است.
- ۶- روزه پس از وقت را روزه قضا، و جریمه روزه‌خواری را کفّاره گویند.
- ۷- کسی که کفّاره به او واجب می‌شود، باید یک برده آزاد کند، یا دو ماه روزه بگیرد، و یا شصت فقیر را اطعام کند.
- ۸- اگر روزه دار بدون تحقیق غذا بخورد و سپس بفهمد پس از اذان صبح غذا خورده، روزه‌اش باطل است و قضا دارد ولی کفّاره ندارد.
- ۹- اگر روزه دار عمداً روزه رمضان را نگیرد، به علاوه قضا، کفّاره هم بر او واجب می‌شود.

۱. مد برابر با حدود ۱۰ سیر گندم یا برنج یا نان و مانند آن است.

## پرسش:

- ۱- فرق قضا و کفّاره روزه چیست؟
- ۲- اگر روزه دار در روزه مستحبی تا اذان صبح غسل نکرده باشد، روزه اش چه حکمی دارد؟
- ۳- اگر روزه دار زمانی از خواب بیدار شود که برای غسل جنابت فرصت نداشته باشد، تکلیفش چیست؟
- ۴- عطر زدن در حال روزه چه حکمی دارد؟
- ۵- ساعت شخصی عقب بوده، و مطابق با آن سحری خورده، و بعداً متوجه شده است که پس از اذان صبح غذا خورده است، تکلیفش نسبت به قضا و کفّاره چیست؟



## درس ۳۰

## احکام قضا و کفاره روزه

۱- لازم نیست فرد مسلمان، قضای روزه را فوراً بجا آورد، ولی بهتر آن است که تا رمضان سال بعد، انجام دهد.  
 ۲- اگر فردی چند ماه رمضان، روزه قضا داشته باشد، هرکدام را اول بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ باشد مثلاً ده روز از رمضان آخر، قضا داشته باشد و تنها ده روز به رمضان مانده باشد، بهتر آن است که اول قضای آن را بجا آورد.

۳- انسان نباید در بجا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست، فوراً آن را انجام دهد.

۴- اگر کفاره بر انسان واجب شود، و چند سال بر آن بگذرد و بجا آورده نشود، چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.  
 ۵- اگر فردی به سبب عذری مانند سفر، روزه نگرفته و پس از رمضان عذر او برطرف شود، و تا رمضان سال بعد عمداً، قضای آن را بجا نیاورد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد، ولی اگر به خاطر مرضی روزه نگیرد و بیماری او تا رمضان سال بعد طول بکشد قضای روزه‌ها واجب نیست، و تنها برای هر روز باید یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.

۶- اگر فردی با کار حرامی، روزه خود را باطل کند بنا بر احتیاط واجب هر سه کفاره را باید انجام دهد، ولی اگر انجام هر سه برایش ممکن نیست، هر کدام را که می‌تواند باید انجام دهد.

## روزه قضای پدر و مادر

پس از مرگ پدر، پسر بزرگ او باید نمازها و روزه‌های قضا شده او را بجا آورد، و بنا بر احتیاط مستحب قضای نماز و روزه‌های مادر هم بجا بر عهده پسر بزرگ است.

## روزه مسافر

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد، ولی باید قضای آن را بجا آورد، ولی مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.

۱- در صورتی که قبل از ظهر به مسافرت برود ← اگر از شب قبل قصد سفر داشته باشد وقتی به حد ترخص رسید روزه باطل می‌شود، و اگر قصد نداشته باشد احتیاط کرده هم آن روز را امساک کند، و هم قضای آن را رفتن به سفر بجا آورد (اگر قبل از رسیدن به حد ترخص روزه را باطل کند، کفاره واجب می‌شود).

رفتن به سفر

۲- اگر بعد از ظهر به مسافرت برود ← روزه صحیح است و نباید آن را باطل کند.

حکم روزه مسافر

۱- اگر قبل از ظهر به وطن، یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد  
 ۱- در صورتی که کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام‌نداده باشد: باید روزه آن روز را تمام کند و روزه صحیح است.

بازگشت از سفر

۲- اگر روزه را باطل کرده باشد: روزه آن روز بر او واجب نیست، و باید قضای آن را بجا آورد.

۲- اگر بعد از ظهر برسد ← روزه اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد.

توجه: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است.

### زکات فطره:

فرد مسلمان باید پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان؛ یعنی در روز عید فطر، مقداری از مال خود را به عنوان زکات فطره به فقیر بدهد.

### مقدار زکات فطره:

فرد مسلمان باید برای خود و افراد نان خور خود - همانند همسر و فرزند - به ازای هر نفر یک صاع (که تقریباً برابر با سه کیلو است) از یکی از اقلام زیر و یا معادل پولی آن پرداخت کند.

### جنس زکات فطره:

جنس زکات فطره: گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و مانند اینهاست، و نیز اگر معادل پولی هر یک از اینها را بدهد، کافی است.

### خلاصه درس ۳۰

- ۱- بهتر آن است که قضای روزه ماه رمضان تا رمضان سال بعد به جای آورده شود.
- ۲- اگر کفاره چند سال تأخیر بیفتد، چیزی بر آن افزوده نمی شود.
- ۳- اگر فرد مسلمان بدون عذر، قضای روزه رمضان را تا رمضان سال بعد انجام ندهد، علاوه بر قضای آن، باید برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.
- ۴- اگر فردی روزه خود را با کار حرام باطل کند، کفاره جمع بر او واجب می شود.
- ۵- پسر بزرگتر باید نماز و روزه های قضا شده پدر، و بنابر احوط مادر خود را، پس از مرگ ایشان انجام دهد.
- ۶- در سفری که نماز شکسته است، روزه هم باطل است.
- ۷- اگر روزه دار بعد از ظهر به مسافرت برود روزه اش صحیح است.
- ۸- اگر مسافر قبل از ظهر به وطن، یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد، و تا آن وقت هم کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید روزه آن روز را تمام کند، و روزه صحیح است.

### پرسش:

- ۱- وقت قضای روزه رمضان را بیان کنید؟
- ۲- وقت تأدیة کفاره روزه را بیان کنید؟

- ۳- اگر کسی تا رمضان سال بعد قضای روزه‌ها را نگیرد، تکلیفش چیست؟
- ۴- پیرمردی که نمی‌تواند روزه بگیرد تکلیفش چیست؟
- ۵- اگر پسر اول، از دنیا رفته باشد، قضای روزه‌های پدر بر عهده چه کسی است؟
- ۶- چه کسانی باید در سفر روزه بگیرند؟

## درس ۳۱

## خمس

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ﴾<sup>۱</sup>

﴿ بدانید به درستی که اگر به شما غنیمتی رسد، پس خمس آن متعلق به خدا، رسول و خویشان رسول، یتیمان، و فقیران، و در راه ماندگان است (که ایشان از آن بهره خواهند برد) ، اگر به خدا ایمان آورده‌اید﴾

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، مَا أَيْسَرَ مَا يَدْخُلُ بِهِ الْعَبْدُ النَّارَ؟ قَالَ: مَنْ أَكَلَ [مِنْ] مَالِ الْيَتِيمِ دِرْهَمًا وَنَحْنُ الْيَتِيمُ.»<sup>۲</sup>

«ابو بصیر گوید: از امام باقر علیه‌السلام پرسیدم: آسان‌ترین چیزی که بنده را وارد جهنم می‌کند، چیست؟ فرمود: کسی که (به قدر پول) درهمی از مال یتیم بخورد، و ما یتیم هستیم.»

یکی از تکالیف اقتصادی و عبادی مسلمانان، پرداختن «خمس» است؛ بدین معنا که در برخی از موارد، باید  $\frac{1}{5}$  مال خود را برای مصارف مشخصی بپردازند.

در هفت چیز، خمس واجب است:

\* آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب، و غیر آن مثل هدیه)؛

\* معدن؛

\* گنج؛

\* غنایم جنگی؛

\* جواهری که به واسطه غواصی در دریا، به دست آمده باشد؛

\* مال حلال مخلوط به حرام؛

\* زمینی که کافر ذمی از مسلمانی بخرد.

پرداخت خمس نیز همانند نماز و روزه از واجبات است؛ و تمام افراد بالغ و عاقلی که یکی از موارد هفتگانه را داشته باشند، باید به آن عمل کنند.

همچنان که در آغاز تکلیف، هر کس به فکر انجام نماز و روزه خود است، باید به فکر پرداخت خمس و زکات و

۱. انفال: ۴۱.

۲. مستدرک الوسائل - ج ۷ - ص ۲۷۷ - ح ۱/۸۲۱۴.

عمل به سایر واجبات هم باشد؛ لذا آشنایی با مسایل و موارد آن در حدّ نیاز لازم است. ما در این نوشته به مسایل یکی از موارد هفتگانهٔ خمس که اکثر افراد جامعه را در بر می‌گیرد، می‌پردازیم؛ و آن «خمس چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید.» برای روشن شدن این مسأله باید به پاسخ دو سؤال زیر پردازیم:

۱- مراد از خرج سال چیست؟

۲- آیا یک سال، با ماههای قمری محاسبه می‌شود یا شمسی، و آغاز آن چه وقت است؟

### مخارج سال

اسلام به کسب و کار مسلمانان احترام گذاشته و تأمین نیاز آنها را بر پرداخت خمس مقدّم داشته است، بنابراین هر کس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند، و اگر در پایان سال، چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس بر او واجب نیست. ولی پس از آن که به طور متعارف و در حدّ نیاز خود زندگی را گذرانند، (بدون اینکه در مصرف زیاده روی کرده باشد) اگر در پایان هم چیزی اضافه آمد،  $\frac{1}{5}$  آنچه را که اضافه آمده است باید برای مصارف مشخصی بپردازد، و  $\frac{4}{5}$  آن را برای خود پس انداز کند، و تا زمانی که خمس مال داده نشده، تصرف در آن مال جایز نیست.

پس، مراد از مخارج، تمام چیزهایی است که فرد در زندگی خود و خانواده‌اش به آنها نیاز دارد، که ذیلاً به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

\* خوراک و پوشاک؛

\* اثاثیهٔ منزل مانند ظرف، فرش و...؛

\* وسیلهٔ نقلیه‌ای که تنها برای کسب و کار نباشد؛

\* مخارج مهمانی؛

\* مخارج ازدواج؛

\* کتاب‌های مورد نیاز؛

\* آنچه در راه زیارت به مصرف می‌رسد، چون زیارت خانهٔ خدا و زیارت حرم معصومین علیهم‌السلام؛

\* جوایز و هدایایی که به کسی داده می‌شود؛ و

\* صدقه و نذر و یا کفّاره‌ای که باید پرداخت شود.

### سال مالی:

فرد مسلمان باید از اولین روز بلوغ خود نماز بخواند، و در اولین ماه رمضان روزه بگیرد، و پس از گذشت یکسال از اولین درآمدی که به دست آورده است، خمس مازاد بر مخارج سال گذشته را بپردازد. بنابراین در محاسبهٔ خمس، ابتدای سال، زمان کسبِ اولین درآمد می‌باشد، و پایان آن هم گذشتن یک سال تمام از آن تاریخ است. این مدت را سال مالی می‌نامند، و می‌تواند به سال قمری و یا شمسی محاسبه شود.

پس؛ ابتدای سال برای:

\* کشاورز ← زمان اولین محصولی است که برداشت می‌کند.

\* برای کارمند ← زمان اولین حقوقی است که دریافت می‌کند.

- \* برای کارگر ← زمان اولین مزدی است که می‌گیرد، و  
 \* برای مغازه‌دار هم ← زمان اولین معامله‌ای است که انجام می‌دهد.

### مالی که از راه ارث به دست آید، خمس ندارد.

\* اگر وارث بداند که خمس مالی که از مؤرث به او ارث رسیده، داده نشده است، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد. ولی اگر در خود آن مال به ارث رسیده خمس وجود نداشته باشد، و وارث بداند کسی که آن مال از او به ارث رسیده، خمس بدهکار است. باید خمس را از اصل مال او بدهد.

### پی‌آمدهای ندادن خمس:

- ۱- تا خمس مال داده نشده باشد نمی‌توان در آن مال تصرف کرد، یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی‌توان خورد، و با پولی که خمس آن داده نشده، نمی‌توان چیزی خرید.
- ۲- اگر با پول خمس نداده، خرید و فروش صورت گیرد (بدون اجازه حاکم شرع) صحیح است، اما خمس آن باید داده شود.

### احکام خمس:

- ۱- اگر به واسطه قناعت کردن، چیزی از مخارج سال زیاد بیاید، باید خمس آن داده شود.
- ۲- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سال خریده شده؛ مانند: برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن داده شود.
- ۳- کسی که دیگری تمام مخارج او را می‌دهد، باید خمس تمام چیزی را که بدست می‌آورد، بپردازد، ولی اگر قسمتی از مخارجش را خودش تأمین می‌کند، آنچه زیاد می‌آورد باید خمس آن را بدهد.

### مصرف خمس:

خمس مال را باید دو قسمت کرد، نصف آن سهم امام زمان علیه‌السلام است که باید به مجتهد جامع الشرائطی که از او تقلید می‌شود (یا نماینده او) پرداخته شود، و یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد، رسانده شود. و نصف دیگر هم سهم سادات است که باید به سید فقیر یا سید یتیم فقیر یا سیدی که در سفر درمانده شده داده شود.

### شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد:

- \* فقیر باشد، و یا در سفر درمانده شده باشد (هر چند که در شهر خود فقیر نباشد).
- \* شیعه دوازده امامی باشد.
- \* به سیدی که معصیت کار است (در صورتی که خمس دادن کمک به معصیت او باشد) نمی‌شود خمس داد. بهتر آن است که به سیدی هم که آشکارا معصیت می‌کند (اگر چه خمس دادن کمک به معصیت او نباشد) خمس داده نشود.
- \* بنا بر احتیاط واجب از افرادی که مخارج آنان بر عهده اوست؛ (مانند همسر و فرزند) نباشد، مگر در خرجی که تحمل آن بر او لازم و واجب نیست.

### خلاصه درس ۳۱

- ۱- یکی از تکالیف اقتصادی و عبادی پرداختِ «خمس» است.
- ۲- در موارد زیر پرداخت خمس واجب است:
  - \* منفعت کسب؛
  - \* معدن؛
  - \* گنج؛
  - \* غنایم جنگی؛
  - \* جواهر دریا.
  - \* مال حلال مخلوط به حرام؛ و
  - \* زمینی که کافر ذمی از مسلمانی بخرد.
- ۳- خوراک، پوشاک، مسن، اثاثیه منزل، مرکب (یا وسیله نقلیه سواری)، مخارج مهمانی، ازدواج، زیارت، مسافرت، جواهر، هدایا، صدقات و کفارات جزو مخارج سال به حساب می آید.
- ۴- از زمانی که اولین درآمد کسب برای انسان به دست می آید، سال مالی او آغاز می شود، که پس از گذشت یک سال باید خمس آنچه را که از مخارج سال اضافه آمده است، پردازد.
- ۵- مالی که به ارث رسیده خمس ندارد.

### پرسش:

- ۱- چه نوع جواهری خمس دارد؟
- ۲- منفعت کسب را توضیح دهید؟
- ۳- ابتدای سال مالی برای پرداخت خمس چه وقت است؟
- ۴- کودکانی که به کسب و کار مشغول اند، و مبلغی را پس انداز می کنند خمس بر آنها واجب است یا نه؟
- ۵- مصارف خمس چیست؟